

مصوبات قانون اساسی در باره ملی کردن بازرگانی خارجی باید سریعاً اجرا شود

صفحات ۵۴

امام خمینی:

اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند و وابستگی اقتصادی داشته باشد، همه جور وابستگی ها دنبالش می آید و وابستگی سیاسی هم پیدای کنیم، وابستگی نظامی هم پیدا می کنیم، برای اینکه وقتی ما چیزی نداشته باشیم، دستمان به طرف آمریکا دراز میشود و آمریکا همه چیز را به ما تحمیل می کند.

(از سخنان امام در دیدار با اعضای موسس انجمن اسلامی مستمعین مبارزه با اعتیاد)

مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۲۸ پنجشنبه ۵۶ دی ماه ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰۰ ریال

دهها هزار تن از مردم در سراسر کشور، خواستار ادامه افشاگریهای دانشجویان مسلمان پیر و خط امام شدند

دهها هزار نفر از کارگران در یک راهپیمایی سراسری علیه امپریالیسم آمریکا شرکت کردند:

سازشکار، سازشکار، نوکر امریکائی کارگر، کارگر، دشمن امریکائی



همانطور که گلوله های امریکائی نتوانست عزم سراسر کارگران ایران را از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده اش باز دارد، دیروز نیز کارگران مبارز، با وجود برف و باران، تظاهرات عظیمی در سراسر کشور علیه امپریالیسم امریکائی برگزار داشتند.

در ۸ صفحه امروز:

شمار مردم شیراز:

فئودال خونخواری همدست امریکائی

۲ صفحه

درباره آموزش لنینی حزب طراز نوین طبقه کارگر

۲ صفحه

بایک سبب شقایق - شعری از طارم سربلند ۸ صفحه

نشر پیام امام بمناسبت میلاد مسیح بادموکراسی غربی - مابینت دارد ۲ صفحه

ما خواستار محاکمه قاتلان و شکنجه گران توده ایها هستیم

۸ صفحه

شباهت های ناگزیر ...

۷ صفحه

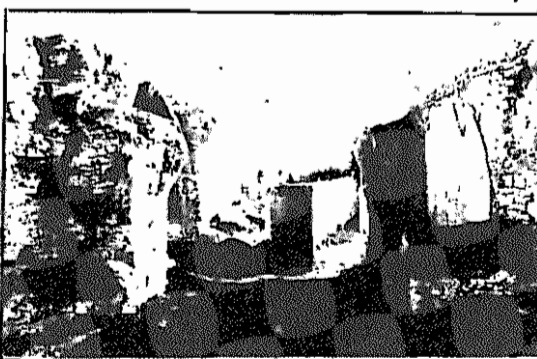
خون انقلاب در رگهای هنر

نگاهی به گالری از ۲ موزه هنرهای معاصر - ۶ صفحه

معنای یک واژه: شانناژ

۶ صفحه

زیدان: ویرانه های بنام آبادی



روستایان زیدان: اگر یک شب باران بیاید، آن شب عزای ماست

۷ صفحه

امپریالیسم خونخوار نابود باید

در پایان، نماینده کارگران بعد از درود بر دانشجویان مسلمان پیر و خط امام، قطعنامه ای را قرائت کرد. برخی از خواستهای کارگران چنین است:

گروهی از کارگران تبریزی بر روی تراکت خود نوشته بودند: بیژیم، بیرلماقتان امریالیسم جهانخوار ریشه سین کساک (همه با هم متحد شویم، تا ریشه امریالیسم جهانخوار را از بین بکنیم)

دانشجویان مسلمان پیر و خط امام، از این برادران مجاهد خواهند حسین تاریخی شخص هستیم، که اگر شاه خائن و چنانکار تا آن تاریخ به ایران بازگرداندند، تنده، بلافاصله محاکمه علی تمام گروه گانها آغاز شود.

ما خواهان ملی شدن تمام سرمایه های امریالیستی و وابسته در سراسر ایران و به ویژه در سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران هستیم.

بقیه در صفحه ۷

به نفع زحمتکشان ایران هستیم. بر روی تراکت دیگر کارگران نوشته شده بود: ماخواستار محاکمه انقلابی امیرانتظام ها و تمام جیره خواران امریالیسم جهان خوار هستیم.

گروهی از کارگران تبریزی بر روی تراکت خود نوشته بودند: بیژیم، بیرلماقتان امریالیسم جهانخوار ریشه سین کساک (همه با هم متحد شویم، تا ریشه امریالیسم جهانخوار را از بین بکنیم)

همچنین کارگران در طی راه پیمایی با شعارهای پرشوری از دانشجویان مسلمان پیر و خط امام حمایت نمودند و نشان دادند که طبقه کارگر ایران در پیروی از رهبری امام، آماده رزم با امپریالیسم امریکاست. کارگران در شعارهای خود گفتند:

یگفته خینی امریکا دشمن ماست هر که در این راه نیست، دشمن ملت ماست صنایع وابسته ملی باید گردد

نوسازی صنایع ایران بودند، که در واحدهای صنعتی صنایع سنگین و صنایع معدنی، مجتمعی از صنایع ماشین سازی پارسی در ارواک و قزوین، تراکتور سازی تبریز، صنایع چوب و کاغذ ایران، تراکتور سپند، گونی بافی قاپه شهر، شرکت ماه در منطقه ارواک و کارخانه نسوز آید و تعدادی دیگر از کارخانجات، کار می کنند

کارگران در طی راهپیمایی با قاطعیت تمام، همانگونه که خصلت طبقاتی آنهاست، در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی صف آرایی کردند و با حمل تراکت های متعدد خواستهای انقلابی خود را در معرض افکار عمومی و مسئولین امر قرار دادند.

بر روی یک تراکت هاشمعلی به واگن سازی پارس نوشته شده بود:

ما خواهان قطع کامل روابط اقتصادی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم خونخوار امریکا و نیز مصادره سرمایه های امریالیستی

شرکتهای تابعه و وابسته سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران به پشتیبانی از دانشجویان مسلمان پیر و خط امام در روز گذشته در تهران و چند شهر دیگر انجام شد.

عصر دیروز گروه عظیمی از کارگران صنایع گسترش و توسعه صنایع ایران از ساعت ۳ بعد از ظهر در تهران در راهپیمایی با شکوه شرکت کردند. این راه پیمایی از در شرق دانشگاه شروع شد و در جلوی لانه جاسوسی امریکا خاتمه یافت.

کارگران شرکت کننده در تظاهرات دیروز از شهرهای مختلف ایران از جمله ارواک و تبریز به تهران آمدند و با وجود سرمای زستان و برف و بوران در صفوف منظم و با گامهای استوار خود بر سنگفرش خیابان کویبند و قاطعانه خواستار تداوم انقلاب شدند.

این گروه از کارگران متعلق به بیش از ۳۵ شرکت و کارخانه وابسته به سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران بودند.

دیروز بدلیل انتشار اطلاعیه شماره هشتاد دانشجویان مسلمان پیر و خط امام، مبنی بر ادامه افشاگریها در صورت موافقت مردم مبارز ایران، هزارها نفر از مردم و کارگران با راهپیمایی در جلوی جاسوسخانه امریکا و نیز دهها هزار نفر از مردم سراسر کشور، پشتیبانی کامل خود را از اقدام انقلابی دانشجویان و افشاگریهای آنان علیه خائنین به منافع انقلاب ایران، اعلام داشتند.

در پیشانی مردم طبقه کارگر انقلابی ایران قرار داشت.

طبقه کارگر ایران درعرصه مبارزات ضد امپریالیستی خودیار دیگر خواستار تداوم انقلاب شد. دیروز دهها هزار نفر از کارگران مبارز در راهپیمایی پرشور خود در سراسر کشور، در مقابل امپریالیسم امریکا صف آرایی کردند.

راهپیمایی سراسری ضد امپریالیستی اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی اسلامی کارکنان

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

درباره آموزش لنینی

حزب طراز نوین طبقه کارگر

لنین در مبارزه خود با جریانهای مختلف سازشکار و اپورتونیست، در یک سلسله آثار مهم خویش، آموزش مربوط به حزب طراز نوین طبقه کارگر را، به استکبار و رهنمودهای قبلی مارکس و انگلس، بسط داد. آثار لنین که این آموزش دوران آورده شده است، عبارتست از:

«چه باید کرد؟» «یک گام پیشی، دو گام به پس» «دوتکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دمکراتیک»، «بیماری کودکان چپ روی».

اگر بخواهیم آموزش لنین در باره حزب، بر اساس آثار پیش گفته، تلخیص کنیم، نتیجه گیریهای زیرین بدست می آید، که آنرا با انطباق برواقعیت تکامل حزب طبقه کارگر در دوران اخیر تاریخی بیان میداریم:

حزب، پیمانگان آگاهی که متحدان طبقه کارگرند (مانند دهقانان و روشنفکران مترقی و کارمندان میانگین کوچک و دیگر قشرهای مترقی و تبعیض شمرنده) نیز در حزب طبقه کارگر، باید پدیدار بشود. کارگر شرکت میورزند. بدین ترتیب بهترین نیروهای زحمتکش یاری و فکری، که بسا بهره گیری سرمایه داری مخالفتند، در حزب طبقه کارگر متحد میشوند و یک گردان رزمنده و آگاه را بوجود می آورند.

این حزب باید به یک تنوری دارای پایه و بنای علمی مجهز باشد، که بر اساس آن وظایف و هدفهای طبقه کارگر را برای اصلاح اجتماع در برنامه حزبی بیان کند و این برنامه حزبی یک دوران معین تکامل تاریخی کشور معین را در بر میگیرد. به بیان دیگر، حزب به تنوری عمومی و تنوری خصوصی (یا انقلابی) انقلابی مجهز است.

وظیفه اعضا حزب است که این پیش و تنوری علمی انقلابی را فراگیرند، برنامه و اسناد حزبی را مورد بررسی و گواهی قرار دهند و در راه اجراء عملی تصمیمات حزب خود از هرگونه تلاشی تن زنند و در همه جا بکوشند تا قشرهای وسیع زحمتکش، توده های مردم را از روش و سیاست حزب خود آگاه سازند.

حزب نه تنها مایه دار و پیشاهنگ آگاه طبقه کارگر و متحدان اوست، بلکه مایه دار و گردان مشکل است. بدین معنی که عضو هر حزب حتماً باید در یک سازمان بنیادی شرکت جوید و در چارچوب این سازمان فعالانه کار و بیکار کند. خود حزب یک سیستم یکپارچه و متحد این سازمانهاست و یک کل متحد را بوجود می آورد که قادر است بیکار طبقه کارگر و متحدانش را موقاف برنامه معین اداره کند و به پیش برود.

طبقه کارگر و متحدانش سازمانهای گوناگونی را در اختیار دارند، مانند سازمان جوانان، زنان، اتحادیه های کارگری و دهقانی، سازمانهای فرهنگی و ورزشی و هنری و غیره و غیره. حزب عالی ترین شکل سازمان طبقاتی پرولتاریاست، یعنی همه دیگر سازمانهای پرولتاری را رهبری می کند.

اصل بنیادی سازمانی حزب طراز نوین طبقه کارگر، مرکزیت دمکراتیک است. زحمتکشان در نبرد بفرنج خود با سرمایه داری معنی و جهانی، سلاح دیگری بجز سازمان در دست ندارند. بقول شادروان لاهوتی: «چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است».

اصل سازمانی حزب طبقه کارگر از هدفها و وظایفی که این حزب در برابر خویش می بیند، ناشی شده است، و نشانگر آنست که آیا حزب واقعا لیاقت آنرا دارد که در عمل مزرگی مانند انقلاب اجتماعی نقش ایفا کند.

حزب نظرات جدا جدای کارگران و زحمتکشان را در درون سازمان بیک قدرت واحد بدل می سازد و در میان آنها وحدت اندیشه و وحدت عمل برقرار میکند. اراده متحد و متراکم زحمتکش می تواند نیروی پدید آورنده پیروزی پیش است. برای آنکه این وحدت اندیشه و عمل، این اتحاد ارادی زحمتکشان تحقق عملی یابد، وجود رهبری مرکزی حزب ضرور است. این رهبری مرکزی باید بتواند انضباط محکم را در صفوف حزب پدید آورد و خواستها و اراده های پراکنده را در مجرای واحدی سیر دهد، همه اعضا حزب موظفند در اجراء تصمیمات رهبری حزب باتمام نیرو بکوشند و معرفت و تجاربی را که در نبرد آموخته اند، بخدمت پیشرفت امر مشترک بگذارند، نقائص کار را بر ما سازند، راههای ابتکاری نوینی را در برابر پای حزب بگذارند، یعنی به انتقاد و انتقاد از خود دست بزنند.

از آنجا که تصمیمات رهبری حزب، نمایانگر اراده جمعی حزب است، همه اعضا حزب موظف به اجراء عملی آنها هستند، حتی اگر با آن موافقت نداشته باشند. زیرا هیچ عضو حزبی حق ندارد خواست فردی خود را به نامی در سر راه اجراء خواست جمعی حزب بدل کند. این انضباط آگاهانه، یعنی قبول آگاهانه و از روی ادراک ضرورت اجراء تصمیمات رهبری مرکزی حزب، که پایه اش وحدت و یگانگی و یکدستی هدفها است، هم اعضا حزب است، به حزب خاصیت تشکیلی میدهد و این امکان را پدید می آورد که حزب یگانه و هدفمند عمل کند. بدینسان دو جانب عمده و اساسی مرکزیت دمکراتیک عبارت است از دمکراسی، یعنی اینکه کلیه اعضا حزب، از جوره تا کنگره، در اتخاذ تصمیمات سیاسی و سازمانی حزب شرکت فعال دارند، و مرکزیته، یعنی اینکه تصمیمات متخذه از جانب ارگانهای رهبری کننده، از طرف کلیه اعضا حزب، با انضباط کامل و جدی و مانند تنی واحد و بدون تخلف اجراء میشود. مکانیسم اجراء مرکزیت دمکراتیک را میتوان نام حزب معین می کند. باید توجه داشت که تناسب بین دو قطب دمکراسی و مرکزیت در شرایط مختلف کار حزب (کارمندی یا عیالی، دورانی یا انقلابی یا آرام) تفاوت می کند و گاه یک قطب و گاه قطب دیگر عمده میشود، ولی در هیچ حالتی نباید یکی از دو قطب معطل بماند. دمکراسی بدون مرکزیت حزب را بسوی بی نظمی و به هرج و مرج میرسد، مرکزیت بدون دمکراسی حزب را به دستگاه اداری بدل می کند و بطرف گنبدی معنوی سوق میدهد.

یافتن تناسب صحیح بین دو قطب، حفظ اکید این تناسب در عمل، امری است دشوار و باید بدان توجه جدی معطوف شود. شایان ذکر است که یکی از جهات مهم دمکراسی حزبی مراسم اصل جمعی بودن رهبری است، یعنی حزب طراز نوین طبقه کارگر شیوه پیشوائی را رد می کند، بدون آنکه این سخن بمناسبت آن باشد که این حزب به وحییت و اعتبار ارگانهای رهبری و رهبران حزبی توجه ندارد.

تکامل حزب منوط و مربوط است به آنکه آموزش مارکسیسم-لنینیسم با مراعات مشخصات جامعه و وظایف خاص ناشی از تکامل انقلاب، با اصطلاح «پایه شده» یافتن تناسب صحیح بین دو قطب، حفظ اکید این تناسب در عمل، امری است دشوار و باید بدان توجه جدی معطوف شود. شایان ذکر است که یکی از جهات مهم دمکراسی حزبی مراسم اصل جمعی بودن رهبری است، یعنی حزب طراز نوین طبقه کارگر شیوه پیشوائی را رد می کند، بدون آنکه این سخن بمناسبت آن باشد که این حزب به وحییت و اعتبار ارگانهای رهبری و رهبران حزبی توجه ندارد.

شمار مردم شیراز
خود را بهمانی بزرگ غلبه فتودال میس

فتودال خونخواری

همدست امریکائی

پلاکاردهای راهپیمایی:
فتودال یسرم از تجاعی ترین وضه
انقلابی ترین پایگاه امپریالیسم است

مردم شیراز در یک راهپیمایی وسیع علیه فتودال یسرم شرکت کردند و پشتیبانی خود را از اجرای اصلاحات آرضی، که در دستور روز وزارت کشاورزی قرار دارد، اعلام داشتند.

به گزارش خبرنگاران «مردم» از شیراز، راهپیمایی ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه آغاز شد. در این راهپیمایی، که به دعوت ستاد دانشجویان مسلمان دانشگاه شیراز انجام میشد، گروه کثیری از مردم رولفتجویان، از جمله هواداران حزب توده ایران و سازمان جوانان مسیر تنداشان زیاد و زیادتر میشد، شامی دادند.

فتودال خونخواری، همدست امریکائی
فتودال غارتگر، این دشمن کشاورز، سرکوب باید گردد
راهپیمایان همچنین پلاکاردهائی در دست داشتند، که روی آنها نوشته شده بود:
فتودال یسرم از تجاعی ترین وضه است
امپریالیسم است
برنامه های رضا اصفهانی مورد تأیید همه کشاورزان مستعصب است

نشر پیام امام

بمناسبت میلاد مسیح با «دموکراسی غربی» مباحثه دارد

خبرگزاریها خبر دادند که واشنگتن پست از دوج پیام امام خمینی بمناسبت میلاد مسیح رسماً خودداری کرده است. این روزنامه که از بانفوذترین ارگانهای «دموکراسی غربی» است، حتی خاصیت شده است بعنوان آگهی پیام امام را بگوش سرد امریکا برساند. البته پیام پر مغز رهبر انقلاب اسلامی ایران پیامی است از اول برخاسته که بر دل نشیند، پیام دل را کوسمسی که بخاطر عدالت اجتماعی و احقاق حقوق آزادی رفته است. استفغان همه ادیان و ملل میلیل، با این قبیل مسائل ارتباط جمعی میکنند. مستکبران بین المللی احتیاجی ندارند. صحبت ما بر سر مباحثه و آگاهی «دموکراسی غربی» است، که هنوز هم بعضی محافل ایرانی بدان دل بسته اند. روزنامه «واشنگتن پست» در جواب نامه نماینده ایران به مراجع گفتم است که پیام با سیاست روزنامه مطابق نیست. اینجاست که «دموکراسی غربی» - این روش سیاسی خاف غاصبانه انحصارات امپریالیستی - بیکباره نقاب از چهره گریه خود بر میدارد و هر گونه برده استار دیپلماتی و «واقع نگاری» را بیکار میکند، بجاست در این باره، نوشته یحق هفته نامه «موریزون» چاپ جمهوری دمکراتیک آلمان را بخاطر آوردیم، که نوشت: «اگر امام خمینی دستور میدادند در مساجد اعلام شود که سیستم سیاسی آزاد غرب باید جای جمهوری اسلامی را بگیرد، که آمریکای دستدار بشر است و نفت را بدنیای غرب سرازیر کنند، که شورای انقلاب را منحل و شاه بخوار و راضی افرا بیخشند و مسائل ارتباط جمعی آمریکا و آلمان فریادها و دلخوریها دهند، سیاستدار هوشمند و قدسی سبحانه میسرند و ایرانیان که این فرمان را می بردند، محبوب ترین و خوشیار ترین مردم روی زمین میشدند، اما حالا که امام خمینی مذاخلات ستر آمریکا را در امور داخلی ایران بر ما او را محذوف میکند، که قصد دارد انقلاب ایران را خفه کند و شاه مخلوع را می خواهد بحدالت بسیاری، متعصب، قرون وسطائی و خوفناک چون نیکو خدایان خود را در بند سیستم امپریالیستی بند، شتم میشود که کشور را بنیروی می کند، حالا که مردمی سالها غارت شده و بجهان آهمه سفارت آمریکا صرف میکنند تا به این طریق جزئی حق خود را بگریزاند، نشانند، افرادی خوار و بی مغز معرفی میشوند، مثل اینکه برای انقلاب هم باید از آنها کسب اجازه کرد».

جهان بینی مارکسیسم-لنینیسم بعلاوه صلوات منقلتی و غنای حیرت انگیز علمی و انسجام درونی خود قادر است بسائلتی که زندگی مطرح می کند، پاسخ گوید، ولی همه مطلب در اینجاست که ماتاپه اندازه بتوانیم این پیش کلی عمومی را بر ویژگیهای جامعه معین، دوران معین و وظایف معین انطباق دهیم، که در آن هم استواری در اصول و پویایی در هدفهای انقلابی بدرستی ملحوظ شود و هم نرمنش عملی و مراعات واقعیات و جستجوی امکانات. زیرا اگر ما در حصار «اصول» محبوس بمانیم، کار ما به جزم گرائی (دکما تیسم) و سلک گرائی (سکتاریسم) و درخود خریدن می کشد، و اگر ما بدنیال «امور منگنه» بدویم، دچار فرصت طلبی (اپورتونیسم) و بازیبن گرائی (دویونیسم) و دور شدن تجریدی از هدفهای انقلابی میشویم. همانطور که ترکیب «مرکزیت» و «دموکراسی» کاری است دشوار و مهم، بهمان ترتیب ترکیب «استواری اصولی» و «نرمنش عملی» کاری است دشوار و مهم.

در صورت ترکیب صحیح اصول (تنوری) با عمل (انقلابی) پر ایتیک، مایه غنی ترین تنوری خدمت کرده ایم و از جزم گرائی و بازیبن گرائی (یعنی تجدیدنظر کردن غلط و غیر لازم و انحرافی در اصول تنوری) حزب را حفظ کرده ایم. برنامه حزب و قطعنامه ها و قرارهای کنگره حزبی و رهبری مرکزی نمایانگر شیوه پیاده کردن تنوری عمومی واقعیت عینی جامعه معین، دوران معین، مرحله معین از انقلاب است. در همین زمینه است که حزب استراتژی دراز مدت و تاکتیک کوتاه مدت خود را معین می کند.

نبرد حزب طبقه کارگر در هر واحد ملی، در قبال جنبه نیرومند و مشکل سرمایه داری، زمانی میتواند با تحریف تاریخی-جهانی همراه باشد که اصل همبستگی جهانی نبرد پرولتاریا در نظر گرفته شود. شعار ما مارکس و انگلس آورده اند: «پرولتاریا جهان یگانه شویده» ناشی از همین ضرورت است.

این شعار بیانگر جهانگرایی (انترناسیونالیسم) سوسیالیستی پرولتاری است، که در مقابل ملت گرائی (ناسیونالیسم) پرولتاری قرار دارد. روشن است که جهانگرایی پرولتاری کوچکترین تضادی با میهن دوستی ندارد، بلکه مکمل آنست. برای هر انقلابی سنگر درم و حوزه ماموریت تاریخی او وطن اوست.

هر انقلابی موظف است برای رهائی وطن خود و مردمش از بردگی خارجی و غارتگری و ستم داخلی بکوشد و وطن خود را بسوی تعالی همه جانبه سوق دهد. منتها این تلاش در دشمنی نیست به وطن دیگران نیست، بلکه برعکس در همیاری و هماهنگی با نظیر این تلاش از طرف انقلابیون همه کشورهای است. در واقع طی قرن گذشته همبستگی پرولتاری توانست طبقات و قشرهای زحمتکش یاری و فکری را به یک نیروی مقتدر تاریخ بدل کند و توانست حمله سرمایه داری را در مسوا در مختلف درهم شکند.

از آنجا که در این همبستگی رازی و نیروی منگت نمان است، پرولتاریا با میمن کشیدن اقتراء «بی وطن» بودن انقلابیون مارکسیست-لنینیست، می خواهد آنها را «فوکند» و از اعتبارشان در جامعه بکاهد و همبستگی را واپستگی نشان دهد. ولی این اتهامات مبلغان دلار درخود اعتنائی نیست، زیرا آنها درست از بریدگی سلاح همبستگی پرولتاریای جهانی است که «برخ» میشوند و به در افشانی می پردازند.

در پایان این بحث باید گفت که تکامل احزاب کارگری و رسیدن آنها به عدالتی و حزب طراز نوین طبقه کارگر، یک روند کمابیش طولانی است، که به یک سلسله عوامل معینی (تکامل عمومی اجتماع و طبقه کارگر) و ذهنی (فراگیری عمیق تنوری انقلابی بسوی بیواسطه همبستگی و انطباق درست آن بر واقعیت جامعه معین) مربوط است.

سدهای لاگرد در دست داشتند، که در آنها خواستهای خود را اعلام کرده بودند.

- زمین آزان کسی است که آنرا احمیکند

- ریشه کن باد فتودال یسرم و سرمایه داری و اوست

- نبرد با آمریکا شهادت امروز

- برای دگر گونی نظام حاکم بر سیاست کشاورزی و مبارزه با فتودال یسرم از بنامهای انقلابی رضاسفهان در مورد اصلاحات ارضی پشتیبانی میکنیم.

در این اجتماع قطعنامه های خواننده شده در آن از جمله، (ضرورت مبارزه بر علیه فتودال یسرم و خواتین و سرمایه داران وابسته، بمنظور جلب حمایت دهقانان و کارگران برای ایجاد پدش-جهه ای قوی برای تداوم انقلاب) تأیید شده است.

مراسم در حالیکه راهپیمایان شعار می دادند، «خمینی بت شکن دشمن اربابان است، انقلاب اسلامی حامی دهقانان است»

- درود بر زرعیان، مرگ بر خوانین.

- جهاد ما در راه آزادی است، فتودال حامی وابستگی به پادشاه است.

زیدان: ویرانه های بنام آبادی...

بقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسم، و دمکراتیک آده از...

اخبار دهقانی

دهقانان با کمک نماینده امام، بحق خود - زمین - رسیدند

۱۲ تا ۱۵ هزار نفر از دهقانان بخش ازنا، شهرستان الیگودرز، مدت‌هاست زمین میخواستند. در بهار سال جاری دهقانان، که از دولت موقت خیری ندیده بودند، دستجمعی دست‌بصرف‌زمین مالک (امیر حسین خان فولادوند) زدند.

بعد از تصرف زمین توسط دهقانان، مالک دست‌باز دهقانان زد و علاوه بر اعمال زور، محیلاته به شکایت پرداخت. او حتی بدتر امام مراجعه کرد و از آنجا نامه‌ای آورد بدین فکر که زمینهایش را پس بگیرد. نماینده امام، آقای کروی، که خود از افراد محلی است، عازم ازنا میشود. دهقانان به نماینده امام شکایت می‌کنند که مالک آنها را مسلحانه اذیت و آزار می‌رساند. از آنجا که نماینده امام نیز خود سوابق خانوادگی مالک را میداند، به تفتیش خانه مالک میرود، که در نتیجه چندین قبضه تیربار و تفنگ ۳ و مقدار ۱۳ کیلو تریاک از خانه مالک کشف میشود. نماینده امام با کشف مواد فوق، مالک را بدادگاه انقلاب خرم‌آباد معرفی می‌کند، که در نتیجه مالک زندانی میشود. بعد از چندماه زندان، نماینده امام از ایشان تمهید می‌گیرد که فوراً محل را ترک کند و زمینهای مصادره شده که توسط دهقانان را بخود آنها واگذار نماید. مالک اینک در تهران بسر می‌برد ولی هنوز آبادی او دهقانان را گناهگاهی اذیت میکند.

برای قطع آبادی مالک بزنگودریش کن کردن پیام‌گادرت آنها، باید هرچه زودتر وقایع مسئله زمین بسود دهقانان حل شود و زمینه توطئه و تحریک اربابان از بین برود.

گوشه‌ای از جنایات مالک غاصبی در روستای «بایکلا» - بابل

«انجمن اسلامی بایکلا»، تحت عنوان «ولعنت‌الله‌علی‌القوم الکافرین»، شرح جنایات خانواده مالک غاصبی را بنام «علیجان ژاده»، که در راس آن شخصی است بنام حاج احمد علیجان ژاده، نوشته و برای مقامهای مسئول فرستاده است. جوانان ده یک نسخه از آنرا هم برای «مردم» فرستاده‌اند.

خلاصه کلام این است که افراد این خانواده طی چندسال اخیر با ضرب و جرح، حداقل سه نفر را - شفیق حیدرقلی ژاده، اسفندیار حقانی و طهماسبقلی حیدرقلی ژاده - به قتل رسانده‌اند. پس از انقلاب نیز به دستور حاج احمد، شخصی را بنام ابوالحسن مومنی، هنگام مراجعت از حزام دستگیر کرده بامبله آهنی تاج‌اند مرگ کتک زده، خانه او را سنگ‌باران کرده و عیال و اطفال او را متواری ساخته‌اند.

حاج احمد اقتدار سفاک و بی‌آبروست که حتی از عمل منافعت چاقو‌داری نیز علناً دفاع میکند... چاقو‌داران حاج احمد هر روز عده‌ای را می‌زند، مجروح میکند، خانواده‌ها را وادار به فرار میکند، تاراج‌هاشان بساط حکمرانی و غارتگری را بتواند ادامه دهد. آنها برای مرعوب کردن مردم همه روز در محل قدرت - نمانی میکنند، رژه می‌روند، بطوری که عواقب وخیمی در انتظار اهالی است...

جوانانی که اطلاعیه «انجمن اسلامی بایکلا» را برای ما فرستاده‌اند، در نامه خود چنین توضیح داده‌اند: «دهقانان بایکلا و منجمله جوانان زحمتکش ده، برای تظلم و دادخواهی بارها به دادگاه انقلاب بابل آمده‌اند، اما مالکان و فرودانها در دادگاه انقلاب نفوذ عجیبی بهم دارند. دادگاه تا اکنون تظلم دهقانان را بی‌جواب گذاشته، یا آنها را از خود رانده است.

دهقانان ناچار موضوع را با مطبوعات در میان گذاشتند، اما متأسفانه انعکاسی نیافت. این است که با اسرار عده‌ای از دهقانان، بخصوص بنا بر توصیه مجروحان و مصدومان حوادث اخیر، فریاد که گزارش این جنایات را به روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، بنویسیم.

جوانان بایکلا، که بعنوان «هوادران حزب توده ایران» برای «مردم» این گزارش را فرستاده‌اند، شستا درباره وضع ده ظلم و ستم مالک آن توضیح میدهند:

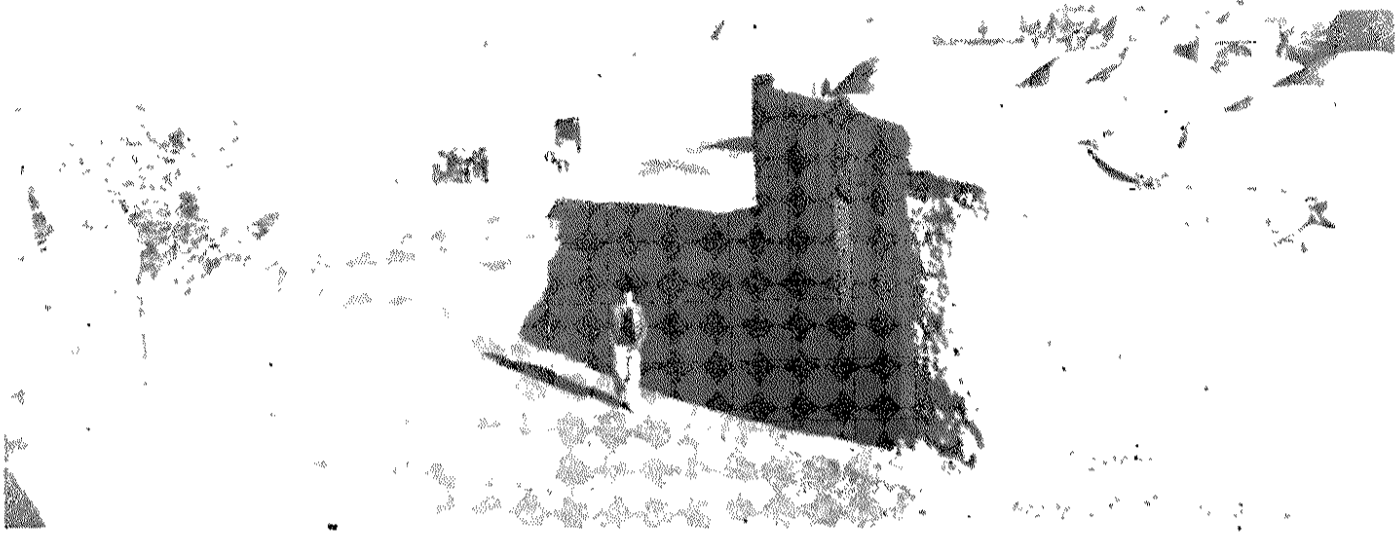
«ده بایکلا در ۳۰ کیلومتری بابل در بخش «بندپی» قرار دارد. هر آن امکان وقوع جنایت در آن هست. اربابان تماماً محیط تشنج و پر خود ایجاد میکنند ۴۰۰ نفر جمعیت ده نیرستمی سی چهل چاقو‌دار حاج احمد رئیس می‌روند. جوانان بیک «انجمن اسلامی» برای عمران و آبادی ده دست کردند. حاج احمد و دستیارانش گفتند که جوانان نباید در این کارها دخالت کنند. با کلمه ده تنی به جمعیت ده حمله کردند و عده‌ای را مجروح کردند...»

جوانان می‌نویسند، خیال نکند ما در برابر چنین ظالم، سفاک و خون‌آشامی ساکت و بی‌تفاوت بنشینیم، او را تصور دادگاه انقلاب داده بودیم. بعد از مدتی دادگاه متعلق به او آزاد کردند. پرونده او بعد از گذشتی ارجاع شد. دادگستری گفت با هر دو طرف زندانی میشود یا ساقی کنید. به نسبت وزیر شکایت بردیم، فایده‌ای نکرد. حتی نزد سه نفر از شخصیت‌های روحانی محل رفیق، اثری نداشت. علت همه این بدبختی این است که او پول دارد، اسلحه‌دار است، کسبش دارد، ریخ هم دارد، با اسلحه هم، چون در این مقامات عناصر ناباب درخش کرده‌اند، همه اینها برای پیروزی و کلمه‌پاسی او کافی است. مدت‌هاست که ما مردم روستاها، با پوست و استخوان خود به این نتیجه رسیدیم که تا بساط نکت‌بار فرودا لیس سرنگون نشود و تاریخ به ارباب رهبری از زمین ایران برکنده نشود، روی-آمایش و آرامش و رفاه نخواهیم دید. امید ما این است که شورای انقلاب اسلامی ایران هرچه زودتر و با قاطعیت عده خود را عمل کند. ما با خوشحالی اعلامیه شورای انقلاب را خواندیم و تصمیمات اخیر مقامات مسئول را تشویق و، حال بی‌سربانه منتظر عمل هستیم.

زیدان:

ویرانه‌های به نام آبادی...

□ روستایان زیدان: اگر یک شب باران بیاید آن شب عزای ماست
□ از ۲۰۰۰ هکتار زمین این روستا، تنها ۳۰ هکتار زیر کشت است.



منظره‌ای از ده زیدان

اتاق را پوشانده‌اند. آئینه شکسته‌ای در بالای تاقچه سیاهی اتاق را منکس می‌کند. از خانه بیرون می‌آیم. سوز سردی از سوی دشتها میوزد. شورشی با مساجت مسی دارد که راه را نمیرد. عده‌ای خواستار این هستند که به حمام هم سری بزنیم.

دالان تنگ و تاریک حمام تصویر دالان-های زیدان را در ذهن‌انسان زده می‌کند. تاریکی و غم‌انگیزی تمام فضای کوچک حمام را دربر گرفته است. دو شیشه کوچک در گوشه‌ای قرار گرفته‌اند و مسلو از آب کیشف و سبزند. بخار و تاریکی دشت‌ترا در اینجا به هم آمیخته شده‌اند و فضای نامطمئنی را آیداد کرده‌اند. زنی پیروکیده شروع به صحبت میکند:

«این حمام ماست. خیلی وقت است که میشوایند یک حمام بازند، اما هر طوالت میدهند. هر روز به سهندن‌نازه، هر روز یک بنای جدید، آخر ما از بند بختی «مردم».

«هرای گرم حمام غیر قابل تحمل است. بیرون می‌آیم. هر کسی دریا دریا سخن دارد. بردی به پیش می‌آید، خودش را مسرفی نمیکند. در مورد زمین حرف می‌زند، عشق او زمین است. این را بیرون از حرف‌هایش، از چشمان غم‌پارش، که به دشت وسیع خیره میشود، فهمید. میگوید: «اینجا قبلاً ۱۹۶۶ سیم بود، که بعد از مدتی به ۲۲۰۰ سیم تقسیم شد. به بانه‌شعاع (۳) بودن این زمینها، تا حالا هیچگونه آبادی و عمرانی انجام نگرفت است. بر اثر اصلاحات ارضی محمدرضا بقیه در سمنه ۷



دختران خردسال ده در صندوق خانه‌ای، که به کارگاه قالببافی تبدیل شده، قالی می‌بافند

کمرش گره زده، بازیکنند و دوباره می‌زنند. میگوید: محالاکه پرسیدید، بگذارید از حمام اینجام بگویم، اینجا یک حمام دارد، که آنهم خزینه‌ایست. آدم بخدا هزارچور مرض میگیرد.

مرد جوان دوباره شروع به صحبت میکند: «مالکان ایزده نمی‌گذارند ما این زمینها را بکاریم. خودشان ساکن کرده‌اند. برای گول زدن دولت زمینها را داده‌اند. ششم زده‌اند و رفقاوند تهران خوش می‌گذرانند. به فکر مانیتند. عده‌ای به شهرها رفتند. می‌گویند اینجا هم گرفتاری و بدبختی زیادی دارند، اما از اینجا که راحت شدند، مال‌صاحب که بلند میشوند، دچار دل‌پره‌ایم که یک لقمه نان روزانه گیر می‌آوریم یانه. آب اینجا هم باعث بدبختی است. یکبار قبلاً قانها خشک شدند و ماسه ما، بی آب ماندم. خیلی ما همان موقع ساجرت کردند، اما ما بی چیزا مجبور بودیم که بمانیم».

زنی میانسال به دیوار تکیه داده و با چشمان کنجکاو مشتاقانه گوش میدهد. موهای ژولیده او از زیر چادر نخ‌نما شده‌اش بیرون آمده است. دستهای زمخت و پینه بسته‌اش در سرما سرخ شده. آستین کوتاه لباس مندرش نمی‌تواند تمام دست او را بپوشاند.

استرغفت حاجیان است. حرف می‌زند: «تا بچه دارم». دختر بزرگش ناگهان میان حرفش میبرد و میگوید: «نه آه آه آه آه».

زنی با کلاه روسی می‌خندد: «آره مثل اینکه تا بچه دارم. آره دایم می‌گفتم تا بچه ویگ خانه گلی ویگ سفره‌خالی. خانه هم مال خودمان نیست، اما ما ساختمش».

مهرم: «خانم میشوید خانه خودتان را به ما نشان بدهید؟» با شوخی و صفا ناپذیر، با لجه تند محلی میگوید: «چرا نمیشود؟» و به راه می‌افتد. ۸ تا ۲ بچه لخت و پتی هم دنبالش قطار میشوند.

در جوی خانه شیون‌کنان به حیاطی وسیع باز میشود. در گوشه‌ای زباله‌ها روی هم تلنبار شده‌اند. ایوانی در دست راست قرار دارد. جلوی ایوان «قاچون» (۲) از سقف آویزان شده است. زن ما را به اتاقی میبرد و میگوید: «دخترهایم فرش می‌بافند، بیاید ببینید. آفتاب تند نیم‌روزی از درون پنجره‌ها که به داخل اتاق می‌تابد، هوای اتاقم کرده و بوی غذا روی اجاق تمام فضای کوچک کارگاه را پر کرده است. دختران پشت‌چهارچوب فرش نشسته‌اند و بوی بوی فرش می‌بافند. مادر دوباره برایشان حرف می‌

لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!

ملی کردن بازرگانی خارجی سرریعا باید اجرا شود

ایران افتادند و آنچه با نفوذ در اعماق اقتصاد ایران پرداختند، که حتی بر آن منصور بود.

رخه امپریالیسم و نو استعمار در بازرگانی ایران نه فقط از مرز تسلط کامل بر بازرگانی خارجی در دست خود فراتر رفت، بلکه امپریالیسم بخش مهمی از بازرگانی داخلی را نیز بدست گرفتند حتی تانکهای بقالی و عطاری سرگذر نیز رخنه کرد. با وجود چنین وضعی، اگر اقتصاد ملی ایران از یادرنیامد و به بحران عدم تعادل شدید در همه زمینههای صنعتی، کشاورزی و خدمات نپیوندد، البته جای تعجب بود. مانع این وضع را در تابستان ۱۳۵۶ در زمان مویده، و در تابستان ۱۳۵۹ در زمان آموزگار، در عدم تکفوی برق برای مصرف خصوصی مشاهده کردیم. پیدایش عدم تعادل و توازن فلاکت بار و مدتها در اقتصاد ملی ایران نتیجه منطقی و ناگزیر تسلط امپریالیسم و نو استعمار بر همه مشور اقتصاد کشور، منجمله و بویژه بر بازرگانی خارجی ایران بود.

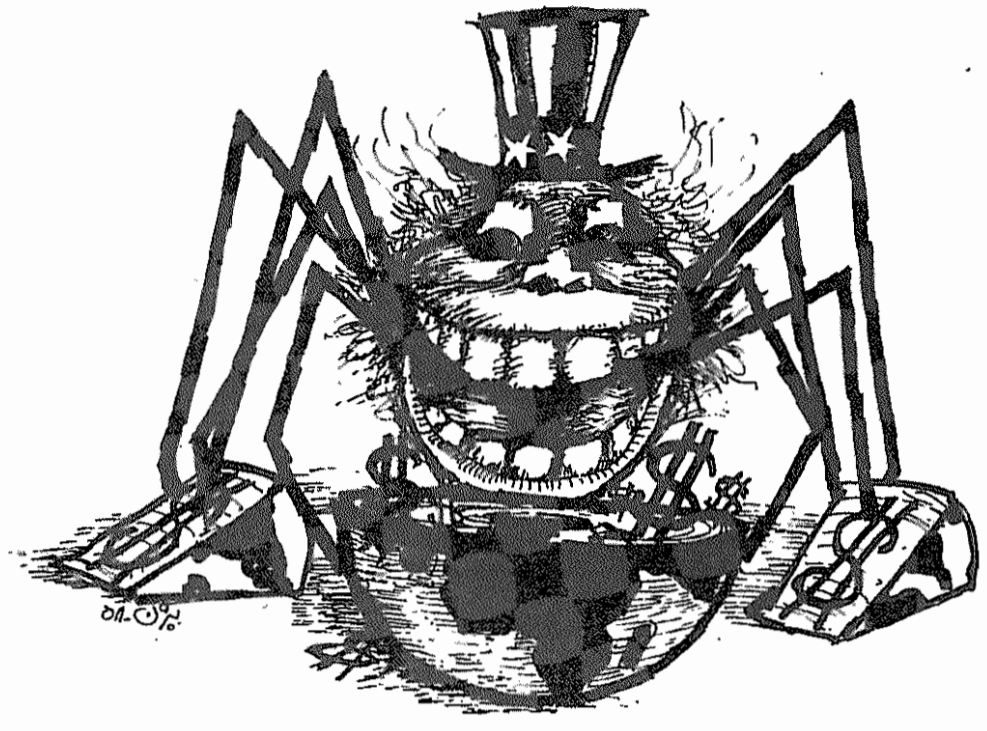
از آنچه به اختصار و فهرست وار بیان شد، دیده میشود که استقلال بازرگانی خارجی برای یک کشور چه اهمیت فوق العاده ای دارد و ملی کردن این رشته مهم از فعالیت اقتصادی، از نظر پایان دادن به وضع فلاکت بار گذشته، ترمیم خرابیهای موجود و نیز به اقتصاد شکوفان ملی حائز چه اهمیت عظیمی است. همین جهت است که، ما چنانکه در ابتدای این نوشته اشاره کردیم، توانستیم از اینکه مقامات دولت جمهوری اسلامی چنین مسئله مهمی را تا بحال حل نشده باقی گذاشته و سر نوشت آنرا به اگر و مگر سپرده و میسارند، برای آن تا سفسیق نکنیم.

۳ اهمیت اصل ملی کردن بازرگانی خارجی در قانون اساسی

میروزی انقلاب عظیم شد امپریالیستی و خلقی ایران استکرات جمهوری اسلامی و زمین مساعدی برای اتخاذ یک رشته تصمیمات بنیادی در زمینه دگرگونی و نوسازی اقتصاد ملی ایران بر بنیان تأمین استقلال اقتصادی بوجود آورده است. بدستی میتوان گفت اتخاذ این تصمیمات و اجرای آنها پشتوانه و ضمانت مطمئن و معتبر تحکیم استقلال سیاسی و ارتقاء انقلاب به مرحله دوم است، یعنی نیل به همان هدفهایی که توده های زحمتکش مردم ایران میخواهند و اهم بخشهایی بسحر کت سریع در آن جهت تا کید دارند. ملی کردن بازرگانی خارجی و تعمیق سریع این امر مهم یکی از تصمیمات نهادهای بنیادی دگرگونی اقتصاد ملی ایران است که محتاج عمل سریع، قاطع و بدون وقفه است.

ملی کردن بازرگانی خارجی ایران، که اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی آنرا تصویب کرده و بعنوان وظیفه مهمی، تحقق آنرا در برابر این اهداف اجرائی دولت انقلابی قرار داده است، قبل از همه از نظر پایان دادن سریع تسلط امپریالیسم بر اقتصاد ایران ضرورت دارد. به تبع از قانون ملی شدن بازرگانی خارجی، کلیه قوانین و آیین نامه های ناقص انحصاردولی بازرگانی، که تعداد آنها بسیار است، سرریا باید افشاء و لوگو گردد. همچنین باید به معضله کلیه شرکتهای خارجی پرداخته شود، که بازرگانی خارجی ایران را در دست خود قبضه کرده و حتی تا نفوذ در برقراری تسلیح تسلط خود را بسط داده اند. کلیه ذخایر کالائی کشور که از خارج وارد شده و می شود، باید بدون تأخیر در اختیار دولت قرار گیرد.

امر اخیر تنها از نظر ضرورت قانونی شرکتهای بازرگانی خارجی ضرورت نیست. ضرورت این امر در لحظه کنونی بویژه از نظر جلوگیری از حیف و میل ذخایر کالائی و استفاده از آن در مقابله با تهدید امپریالیسم آمریکا به محاصره اقتصادی ایران ضرورت است. مگر مقامات دولت جمهوری اسلامی نسیاندند که عوامل وابسته به امپریالیسم، بویژه اکنون که مبارزه حادی بین ملت و امپریالیسم در گرفته، سعی خواهند کرد از امر تسلط خود بر بازرگانی خارجی و ذخایر کالائی وارداتی سوء استفاده نمایند و با گران فروشی و ایجاد بازار سیاه و احتکار کالا در میان مردم ایجاد عدم رضایت کنند. در این صورت چه سیاستی تجویز میکند که ملی کردن بازرگانی خارجی ایران با ایس عنوان که، وضع موجود «یک عمل موسیقی



از دور قرن به اینطرف عامل تسلط اقتصادی استعمار و امپریالیسم بر کشور ما بشمار میرود و هیچگاه با تلاشهای مردم ایران بخاطر کسب استقلال و پیشرفت واقعی اقتصادی - اجتماعی سرسازش نداشته است. اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، بر حل چنین مسئله مهم اقتصادی - اجتماعی مبتنی است و آنوقت جای کمال تا سفاست که با وجود تصویب قانون اساسی، اجرای این اصل هم چنان در گرو اگر و مگر است.

۴ چگونه ملی کردن بازرگانی خارجی را تحقق بخشیم

ملی کردن بازرگانی خارجی، یعنی تمرکز تمام کلیه امور مربوط به بازرگانی خارجی در دست دولت، اشکال سازمانی و اجرای عملی ملی کردن بازرگانی خارجی و یا انحصار دولتی بازرگانی به تبع از قوانین و تصمیمات مهمی میسر میگردد، که در زمینه خروج اقتصاد ملی از عقب ماندگی و تسریع در پیشرفت آن بر مبنای اقتصاد سه بندی (دولتی، تعاونی، خصوصی) در قانون اساسی تصویب شده است.

این اشکال سازمانی در لحظه کنونی بویژه باید متوجه پایان دادن به تسلط امپریالیسم و عوامل آن بر بازرگانی خارجی باشد و دفاع از تولید و بازار داخلی را در برابر تهاجم امپریالیستی دامنه فعالیت آن هدفهایی که رشد اقتصاد ملی در برابر خود خواهد گذاشت و به تبع بر مبنای رفا اجتماعی، به ملی کردن بازرگانی خارجی، به معنی انحصار منطقی بازرگانی خارجی در دست دولت، نیاز قاطع داریم.

وظایفی که در شرایط کنونی در برابر سازمانهای اجرائی ملی کردن بازرگانی خارجی قرار میگیرد، میتواند به صورت زیرین خلاصه گردد:

- حفظ و تأمین منافع کشور در زمینه بازرگانی خارجی و معاملات مربوط به خرید و فروش کالا در بازرگانی جهانی،
- متمرکز ساختن معاملات بازرگانی مربوط به خرید و فروش کالاهای وارداتی و فروش کالاهای صادراتی،
- هماهنگ ساختن امر بازرگانی خارجی با نیازهای رشد سریع تولید صنعتی، کشاورزی و خدمات،
- پاساژگویی بوقوع به نیازهای مربوط به واردات کالاهای استهلاکی تا زمانی که خود کفائی نسبی تحصیل نشده،
- علمی کردن، مدرنیزه کردن و اقتصادی نمودن امر بازرگانی خارجی،
- کمالات با یزدان ساختن معاملات بازرگانی و کوتاه ساختن دست واسطه ها، جلوگیری از فساد، چپاول و احتکار در این زمینه اساسی از اقتصاد ملی منجر خواهد شد.
- اختیاراتی که باید به سازمانهای اجرائی ملی کردن بازرگانی خارجی واگذار گردد، تا این امر مهم بدرستی و سرعت به اجرا درآید، میتواند بطور

میتوان پرسو طسوق اجرائی امر مهم ملی کردن بازرگانی خارجی و نحوه کار و تنظیم وضع سازمانی ارگانهای اجرائی این کار مهم، نظریات متفاوتی بیان داشت. لیکن در آنچه به یقین همگان عقیده واحدی دارند، اینست که: اجرای کارهای انقلابی را نباید به امروز و فردا موکول ساخت. ملی کردن بازرگانی خارجی، بعنوان یکی از اصول مهم، از تصویب قانون اساسی گذشته است. این وظیفه انقلابی بدون هیچگونه تأخیری باید به اجرا گذاشته شود.

چرا مانع تشکیل کلاسهای آموزش نظامی میشوند؟

عده ای از مقامات مسئول، آگاهانه و یا نا آگاهانه، با تصمیمات خود ناهمگونیهایی را بوجود می آورند و عملا مانع از تجهیز نظامی جوانان و مردم میگردد.

یکی از گزارشگران ما می نویسد: «اخیرا اینچنین دانش آموزان مسلمان دبیرستان جاوید به ابتکار خود و در پیروی از فرمان امام اقدام به تشکیل کلاسهای آموزش نظامی در این دبیرستان کرده است. این عمل که در نوع خود ستایش آمیز است، مورد استقبال شدید دانش آموزان دبیرستان جاوید قرار گرفت و دانش آموزان با اعلام آمادگی خود در شرکت در این کلاسها پیام رزنجویی خود را به آمریکای سلطه جو اعلام کردند.»

متأسفانه این عمل انقلابی دانش آموزان با مخالفت اولیای امور فرهنگ و مسئولین دبیرستان روبرو شد و در نتیجه آموزش نظامی در این دبیرستان به تعلیق افتاد.

بدنبال این اقدام، دانش آموزان عضو انجمن، با انتشار اعلامیه ای، علل تعلیق کلاسهای آموزش نظامی را در سیاست های تشکیلاتی آموزش و پرورش و مخالفت های مسدود دبیرستان و همچنین روش بنی از افراد مسئول دیگر اعلام کردند.

بدیهی است چنین اقدامات غیر انقلابی توسط مسئولین امر، به هیچ صورت در خدمت و در جهت پیشبرد انقلاب نیست. کارشناسی هائی از این قبیل در چوچر زعمی امروزم کشور ما، فقط کمک به آمریکا و عوامل سرسپرده داخلی آنهاست. باشد که مسئولین، با درک موقعیت حساس کشور ما و مسئولیت خود، از تکرار این وقایع خودداری کنند.»

کاخ بسیدار و لاریز کنیم خانم غرب کلاسیم آر باد

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و یا ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همسنگی و خلقی شرکت کنید.

کمک مالی خود را به نام رضاشاد کوی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ایرانشهر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه های بانک تهران ممکن است. (۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی نیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

خانه حزب را بسازیم!
بنام نیمخاکبورد نوزاد ۲۰۰۰ (اولین فرزند ما) مبلغ ۴۰۰۰ ریال برای کمک به خانه سازی حزب فرستاده میشود تا در سایه تلاش خستگی ناپذیر تمامی فقاه همراه با عظمت روزافزون حزب توده ای ما، او هم بتواند در آینده به حزب خود و خانه اش افتخار کند.
رجب و سودابه

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمنان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند برای اطمنان به سمت اخبار هم، جز تکیه به اینکه مرسته گان اخبار و گزارشها مسئولیت خطی خود را در این زمینه به خوبی درک می کنند، امکان دیگری ندارد. ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار در یافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای است مسئول در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نا دقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگوار و آزار دهنده و نفوذ اعتبار حزب بله بنزد، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند.

نمایشگاه بیاد دکتر قتی آرنی رهبر زحمتکشان ایران

۱۴ بهمن، سالگرد شهادت دکتر قتی آرنی، رهبر زحمتکشان ایران است. بدین مناسبت قرار است نمایشگاهی بیاد این دانشمند انقلابی تریبیداده شود. از همه کسانی که عکس یا اطلاعاتی درباره زندگی خصوصی و اطلاعاتی درباره مبارزه و دستگیری و زندان و شهادت آرنی دارند، خواهشمند است که عکسها و اطلاعات خود را در اختیار دبیرخانه انقلابی شهید ترتیب داده شود. قرار دهند، موجب سپاس فراوان خواهد بود.

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان «وادار» حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار ندارند، میتوانند روزهای جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و از ۲ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران واقع در خیابان ۱۶ آذر ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار ندارند، میتوانند روزهای جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و از ۲ تا ۵ بعد از ظهر به

معمای یک واژه: شانناژ

خوانندگان «مردم» بارها نوشته‌اند که در مقالات ما کلماتی هست که معنای آنها برایشان بطور دقیق و جامع روشن نیست. درخواست شده است که یا این گونه واژه‌ها بکار نرود و یا توضیحی در آن باره داده شود. ما گوش می‌کنیم که حتی-المقدور از واژه های نامانوس استفاده نکنیم، ولی بسیارند معانی و اصطلاحاتی که بکار گرفتن آنها برای بیان اندیشه‌های ناگزیر است. برای این پیدا کردن، ضمن مقاله باطنی با خبری، لفتی بود که نیاز به توضیح داشت، بطور مختصر معنای آنرا جداگانه خواهیم نوشت:

اخيرا در چند مقاله کلمه «شانناژ» بکار برده شده است. شانناژ یعنی اعمال فشار از طریق ارباب و ترساندن و تهدید کردن، یا توسل به اینکه روی دادی... و اقصی یا غیر واقعی- با استاد موجود یا غیر موجود، افتضا خواهد شد.

مثلا کسی شما را میترساند که اگر فلان اقدام را نکنید، به همه خواهد گفت که از شما فلان عمل سر زده یا فلان عکس یا نوشته شما را بجهة نشان خواهد داد. ممکن است شما فلان عمل را کرد، مگر شاید یا نه، فلان عکس یا فلان نوشته مال شما باشد، یا نه. پس این کار که با تهدید به افتضا... و نظایر اینها شما را مجبور کنند، اقدام مربوطه را انجام دهید، «شانناژ» نامیده می-شود.

این اعمال، فشاری است که البته اصولی نیست. زیرا اگر شما مطابق میل طرف رفتار کنید، سد مربوطه رسواگر را فاش نخواهد کرد و عمل ناشایست احتمالی را بازگو نخواهد نمود. «شانناژ» حیواندبر اساس سندن سازی و حمل و یا مسخره سازی نیز صورت گیرد، یعنی واقعی و درست نباشد. باین ترتیب طرف دستاویزی میسازد تا مرتا به اعمال فشار بر دزد و بربان خود را بقبولاند. هر کس اصولی باشد، از شانناژ نمیترسد. هر که را حساب بکند، از حساب بکند. ندارد و بنابراین از روکردن اسناد واقعی یا جعلی وامه ندارد. این معنای محدودتر «شانناژ» است. در معنای وسیعتر سیاسی آن، امپریالیست‌ها و عمال ناپاک آنها، در سیاستبرداری خود آکترها به شانناژ دست میزنند و برای تحمیل نظر و اراده خود به این وسیله کنیف ارباب متوسل می-شوند. «شانناژ» میتواند در مورد يك فرد، يك سیاستمدار یا يك مرجع، يك حزب و يك خلق اعمال شود، یعنی امپریالیست‌ها فقط سیاستمداران و دولتمداران را با تهدید بر روکردن «اسناد» یا ترساندن از عواقب احتمالی يك عمل میترسانند، و مجبور میکنند خواستهای پلید آنرا اعمال سازند، بلکه علیه ملت‌ها هم «شانناژ» میکنند، یعنی با تهدید و ترساندن از عواقب يك عمل، میخواهند بساط غارتگری و سلطه خود را دائمی سازند.

این شیوه ها نظامی و اقتصادی و سیاسی اعمال میشود و ما هر روز شاهد آن هستیم که شیطان بزرگ آمریکا، در مقابله با ملت قهرمان ما به «شانناژ» دست می-زند، ولی اینهم سلسله است که امپریالیسم آمریکا در اراده خلق ما تزلزل و وارد نخواهد ساخت و شیوه «شانناژ» آنهم، مانند سایر

موزه هنرهای معاصر، چندی است که با به نمایش گذاشتن آثار نقاشان میارز، عکس های گرفته شده در سال ۵۷، دیوار نوشته‌ها، ارائه کارهای گرافیک (رادیو و درمختی) و طراحی‌های دانشجویان و هنرمندان جوان بازگشوده شده است. تاریخچه این موزه و نقش آن در ترویج هنر وارداتی و اینکه دوغایف کنونی- آن چگونه قابل اجرامت و کساند اداره کننده‌اش (که هنوز از صباح و همفکرهای مشاور هنری-شهبانو-فرح-برخوردار است) از چه امکاناتی بهره‌مند، موضوع مقاله جداگانه‌ای است. آنچه که این یادداشت عهده‌دار انجام آست، بررسی کوتاهی است از آثار «نقاشان مبارز»، که در گالری ۴۱ این موزه به نمایش درآمده:

* صفرا زاده

با نگاه یاس آلودش به همه چیز - حتی به شور دردم کوبنده و به امید پیاد شریک مردم در طول انقلاب- نقاشی آشناست. او در این موزه ۲ کار ارائه کرده، که همچنان با پرده کمتر رخیم نامیدی پوشانده شده است. در تابلویی که دستمایه اصلی‌اش رویارویی سر-بران مزبور - ارتش شاهنشاهی (اینجرا مجریان نقشه‌های شیطانی ژنرالهای ۴ ستاره آمریکا) با توده وسیع مردم - روحانی و کارگر و روشنفکر - است، رژیم محزون تابلو قبل از هر چیز بر تماشاگر تاثیر می‌گذارد: صف ظاهر - کنندگان، شمار خوانان با دهنهای باز و بسته، پایانی‌ناپذیر بنظر میرسند. ولی آنها نه خشم و کین و نفرت، بل انگار زنج و عم و محنت خود را به نمایش گذاشته‌اند. گردش قلمو برای باز آفرینی چشم این سرباز کلاسیز، همانگونه به حرکت درآمده که برای تصویر کردن چشم آن زن مهربان؛ زنی که صدای اعتراض و پرخاشش و بی‌بروایی فدا-کارانه‌اش در میدان نبرد، تمامی شکرده های مقابله خبیانی «کلاسیزها» را نقض بر آب کرد و آنها را تا سرحد جنون متماصل ساخت. توده فترده‌ای که سرتاسر تابلوهای صفرا زاده را پوشانده، باید که نمونه جسم خشم و عیان به اوج رسیده مردمی باشد که دیگر حتی يك گام هم از خواستهای بحقشان عقب نخواهند نشست. در حالیکه پیشانیهای صاف و بلند، چشماهای مغشوم و وزن ایستای «ظاهر کنندگان» تابلوهای صفرا

نگاهی به گالری ۲۹۱ درموزه هنرهای معاصر:

خون انقلاب در رگهای هنر...

زاده. آنان رانه جمع شده دربرخاشی به خروش آمده می‌نمایند، بل توده‌ای بیگانه باهم که در هیچ چیز شریک نیستند جز نگاه به روپرو، به لوله‌آدمه به شلیک سلسهای آمریکایی.

* الخاص

نیز در این نمایشگاه با ارائه ۶ تابلو از کارهایش، الهام گرفته از انقلاب، شرکت کرده است. او به نیت تأیید و نقد پس از انقلاب شکوهمندان به باز-آفرینی گوشه‌هایی از آن نشسته: اینجا «رودی از زنان از کنار شهیدان» می-گذرند همه چهره پوشیده، همه گریان، همه فغان برآور و همه گویی مصیبت-دیده و زبانی دیگر «بهترین هدایای خود - فرزندانشان را - نثار آنها می-کنند. (از سوی «نثار» می‌کنند و از سوی دیگر به شیون می‌نشینند) و آنچه تهن از روح عصیان و مبارزه، این و آن زن راقتان وخیزان، پوشیده در غبار گورستان می‌سازد تا در میان قربانیان سینما در کس، شهید خود را بیابند.

* حبیب صادقی

تنها يك تابلو ارائه کرده، که در آن واقعیت و ذهنیت، نماد (سجمل) و عین را

به کار گرفته تا دهنش و خشونت‌مطغون در هیبت مردی، کوتاهقد و زشت، و جنبه‌های کم‌مایه از مبارزه مردم را، به تماشاگر بنمایند. در این باز تصویر، صادقی از ابتدایی‌ترین پرداختها کمک گرفته است.

* ناصر پلنگی

در «کوچ»، این تنها طراحی رنگ-شده‌اش، به فقر و محرومیت و دردسندی زحمتکشان نظر دارد، اما «نظری» که بیشتر سوزدل و ترحم‌برانگیز است، «حسی» که هیچ زحمتکشی مطلقا به آن محتاج نیست.

* خسرو وجودی

با ۳ تابلو در این نمایشگاه شرکت کرده است. او در یکی از آثار خود بکرترین مضمون را به تصویر کشانده و بین تشیع صفوی و تشیع علوی مرز قائل شده است. اما پرداخت این مضمون آنچنان مخدوش و ابتدایی و یکجانبه است که از اهمیت و ارزش آن می-کاهد: در قابهایی که بنظر می‌رسد - مرزهای زمانی و مکانی را درهم شکسته است، مردی سخت سبب، با حفرهای ترسناک بجای چشم، در متن سیاهی جای گرفته، در قالب دیگر هم او با چشماهای بسته و همچنان عیوس پنداری منادی می‌گذارد و باطل است، به قالب سوم که با می‌گذارد، کسب هویتی کرده و باچشمان باز و نگاه کنجکا و بیجان می‌گرد، تا جائی که به درک هستی واقعی می‌رسد، در این میان حتی به شکنجه و بندم تن درمی‌دهد و سرانجام درطینی رنگین،

* فرح نوتاش

با ۴ تابلو در این موزه شرکت دارد: ۱۷۰ شهرپور (نمونه بازار آمیکسی واقعیت اسبیل با تخیل هنری سیقل خورد)، «آزادی زندانی سیاسی»، «فاطمه سینما رکس آبادان» و «آغاز».

* ثمیلآ امیر ابراهیمی

نیز ۴ اثر در این موزه ارائه داده است: «حرکت»، «۱۷۰ شهرپور»، «در بیرونی» و «هیبتگری».

* موسوی زاده

نیز از مجموعه نقاشیهای «انقلاب مشروطیت» خود، دو تابلو: «چاپ نشریه» و «خبر شیخون» در موزه به نمایش گذاشته است.

درمورد این نقاشان و آثارشان قبلا یادداشتی در «مردم» و «تیغ» به چاپ رسیده است. لذا در اینجا تابلوهایی «چهره هنرمندان» را ارائه کرده. «سیدی عیوی» ۲ کار، حسن صفاء، ۵ اثر، که بیشتر در بر خورد با طبیعت باز آفریده شده، البته طبیعتی تهن از انسان و سبزه. «جمال متولی» با ۲ تابلو، که یکی فضای مضطرب هم در رابطه مکانیکی در کنار هم جدا سازی شده!

* بهرام دبیری

در تابلوهایی عریض و طولی به جمع-بندی ابتدایی مفاهیمی گوناگون نشسته. در این تابلو از «ده چیز» می‌توان نشانه گرفت. از نمادهای شهوت و ثروت و قدرت و فساد و شر تا گواهان تقص و فقر و ضعف و یاسی و نیکی و... و همه در رابطه مکانیکی در کنار هم جدا سازی شده!

مردک بامدادان» از دیگر آثار دبیری است. مردک با لباسی سرخ در گوشه راست تابلو ایستاده و به نزدکهای سر- از تن جدا شده پیچیده در رنگ آبی اشاره می‌کند. شمشیرهای اگداخته پاسداران «شکوه و عظمت خسرو اوب- شیروان» این سرهای حقگو و حق‌خواه را از بدن جدا کرده. پرداخت این کار نیز، نه کامل و نه رساست. تماشاگر هم‌زمنه ذهنی، هیچ پرداختی از این تابلو نمی‌تواند بدست آورد. مردک، این بزرگ‌مرد تاریخ ایران، که ۳۰ سال سایه حق-خواهش بر تاریخ پنجمینده در «کاست» های ساسانی سنگینی کرد و پس از سرکوب خوین جنبش مزدکی، بیش از پیش دررفای اجتماع ریشه دواند، کسی که به پیروزی «نور پرطلعت» باور داشت و عدالت و برابری را می‌آموخت، مردی نحیف و دردمانده باز آفریده شده، که در مقابل «شکوه و عظمت پادشاهی ساسانی» بسیار خرد و زبون معرفی می‌شود.

کارگران فلا در دونوبت صبح و بعد از ظهر و بجای هش ساعت کار در هر نوبت فقط ۱۲ ساعت کار می‌کنند. کارگران این کارخانه نیز مثل همه کارگران منبع درآمد دیگری ندارند و بیمه‌ای هم ندارند که با ادامه باستانی در تولید، از هست و نیست ساقط شوند.

جا دارد سؤلین امور در رفع مشکلات این کارخانه از خود قاطعیت بیشتری نشان دهند.

در کارخانه تخته فشرده شمال چه میگذرد

کارخانه تخته فشرده شمال، واقع در ۱۰ کیلومتر جاده‌سازی قائمشهر، اندو سال پیش شروع به کار کرده است. این کارخانه به «صدافت» و «توسلی» تعلق دارد و در حال حاضر هر روز بمقدار پنج کلمیون بزرگ تخته فشرده تولید می‌کند که قیمت هر کلمیون تخته آن چهل هزار تومان است.

چوب مصرفی کارخانه از «نکاچوب» تامین می‌شود و مسواد اولیه دیگر، نظیر مواد شیمیایی و چسب، فلانایاب است و همین مساله سطح تولید را پائین آورده است.

در این کارخانه حدود ۱۳۰ کارگر در سه نوبت کار می‌کنند. اکثر کارگران از روستاهای مجاور، مثل پاشاکلاو و لشیر می‌آیند. این کارگران سرویس رفت و آمد یا ناها خوری ندارند.

باین که تخته‌کار این کارخانه فوق‌العاده زیاد است، معهدا دستمزده کارگران تایش از انقلاب ماهانه حدود ۸۰۰ تومان بود. در حال حاضر دستمزده ۲۰۰۰ تومان شده و سود ویژه هم رقم بسیار ناچیزی را تشکیل می‌دهد.

کارگران تامین شغلی ندارند. چند ماه قبل کارفرما ۴ کارگر را، که هر یک ۶ ماه سابقه کار داشتند، فقط با پرداخت ۲۵۰۰ تومان اخراج کرد. شکایت این کارگران به فرمانداری قائمشهر نیز بی‌جا می‌نرسید. در حال حاضر باین که کارخانه شورا دارد، ولی کارگران هیچگونه تضمینی در برابر اخراج خود سارانه بوسیله کارفرما ندارند.

کارفرمایی که از تیره شدن روابط ایران و آمریکا سودجویی میکند

کارفرمای کارخانه دستمال کاغذی حریر، که از هر وسیله برای فشار به کارگران و اخراج آنها سوءاستفاده میکند، حتی تیره شدن روابط بین ایران و آمریکا را نیز دستاویز عملیات ضد کارگری خود قرار داده است. این شخص بهانه کمبود مواد اولیه کارخانه، که از آمریکا وارد میشود، درصدد اخراج نیمی از کارگران بر می‌آید، که با مقاومت شده کارگران مواجه میگردد. کارفرما می‌تواند اینکه کارگران در کارخانه دست به افشا نشانه‌ها، از کمیته منطقه ۱۴ کمک میخواهد، اما پاسداران کمیته که به هنرنگهای صاحب کار پی می‌برند، جانب کارگران را نمی‌گیرند. در نتیجه کارخانه شورا را به انصراف از تصمیم خود درمورد اخراج کارگران می‌شود، بلکه به قبول تشکیل شورا نیز، که از خواستهای جدی کارگران این کارخانه است، تن در میدهد. کارگران تصمیم دارند در آینده نزدیک شورا را تشکیل دهند.

اعضاء کمیته به یکی از نمایندگان کارکنان، که مورد اعتماد و پشتیبانی همه کارگران است، احانت کرد و این عمل خشم کارگران را برانگیخت. لذا بدخواستشورای کارکنان ۴ نفر از اعضای این کمیته خلج سلاح و از کمیته اخراج گردیدند.

شرکت ایرداک زور می‌گوید!

شرکت ایرداک در تبریز، کوی زلیخرا، خانه‌های پیش-ساخته تولید می‌کند. در این شرکت بخصوص پیش از صوب حد-اقل دستمزده از طرف وزارت کار، کارگران صاف و پوست کنده با زور روپرو بودند و گوش کسی بدهکار نبود. الان کارگران بسیاری از موسسات توانسته‌اند بایگیری از حقوق پیش‌بینی شده در قانون کار، نظیر حق اولاد، حق سگکن و حق خواربار برخوردار شوند. کارگران این شرکت هر چند کرارا به اداره کار مراجعه کرده‌اند و شکایات متعددی تسلیم کرده‌اند، ولی اداره کار چن نوشتن يك نامه برای شرکت، برای کارگران کاری نکرده است. کارگران شرکت ایرداک همچنان با بگیری حقوق مسلم خود را مطالبه می‌کنند و کارفرمایان هم طبق معمول از پرداخت آن خودداری می‌کنند.

شرکت سهامی گونی بافی قائم شهر را دریابید

شرکت سهامی گونی بافی قائمشهر، با بیش از ۴۰ سال سابقه، اینک پس از انقلاب، بخاطر کمبود مواد خام و بطور عمده کتف در معرض تصفیل قرار گرفته و بیش از ۱۵۰۰ کارگر آن در آستانه بیکاری‌اند.

این شرکت انواع کیه‌های گونی و فرشهای با طرح‌های گوناگون تولید می‌کند که به بازار داخلی عرضه می‌شود. مواد خام مصرفی شرکت اوایل پیش از ۱۳۲۰ - از کتف کتخته شده در گیلان و مازندران تامین می‌شد، ولی بتدریج نظام ورشکسته اقتصادی و بازرگانی که رژیم شاه مخلوق طراح آن بود، کشاورزان کتف کار را خانه خراب کرد و قیمت کتف روزبروز سقوط کرد. بقول یکی از کارگران، مسئول سابق خرید کتف و حسابدار کارخانه، کتف را وزن نکرده از کشاورزان می‌خرید. این شخص که بخاری نام دارد، پس از انقلاب بجهت کارگران از کارخانه اخراج شد. در حال حاضر حتی اثری از کتف در مناطق مازندران دیده نمی‌شود و شرکت گونی بافی قائمشهر از مدتی پیش مواد اولیه مصرفی خود را از خارج تامین می‌کند.

کارخانه گونی بافی فلا به مواد خام کافی دسترس ندارد. شورای کارکنان این شرکت برای رفع این مشکل در تهران پرس می‌برند و هنوز در ملاقات با مسئولین سازمان گسترش به نتیجه‌ای نرسیده‌است.

شاه‌خلیلی، مدیر عامل کارخانه، تمایلی در جهت برطرف

اخبار کارگری

در مجمع عمومی کارگران کارخانه کاشی سعدی مخالفت با خواستهای کارگران، حرکت در جهت منافع آمریکاست

بیرو دعوتی که شورای کارگران کارخانه کاشی وسرایک سعدی از کانون شوراهای دانشگاه صنعتی پلی‌تکنیک بعمل آورد، یکی از اعضای کانون روز شنبه ۵۸۹/۱۷ در کارخانه برای کار-گران در مورد انتخابات شورا صحبت کرد. پس از او یکی از اعضای شورا ضمن سخنان خود گفت:

«مبارزات ما وارد مرحله تازه‌ای شده است و ما می‌خواهیم کارخانه ملی شود. باید آنها که حقوق کلان می‌گیرند و کار نمی‌کنند تصفیه شوند. لازمه این کار، تجدید انتخابات شورا و افزایش اعضای آن است.»

کارگران به اتفاق سخنان عضو شورا را تأیید کردند و شورای کارخانه طریقه‌ای به شورای انقلاب خواست‌های کارگران را به شورای انقلاب گزارش کرد. خواستهای کارگران بشرح زیر است:

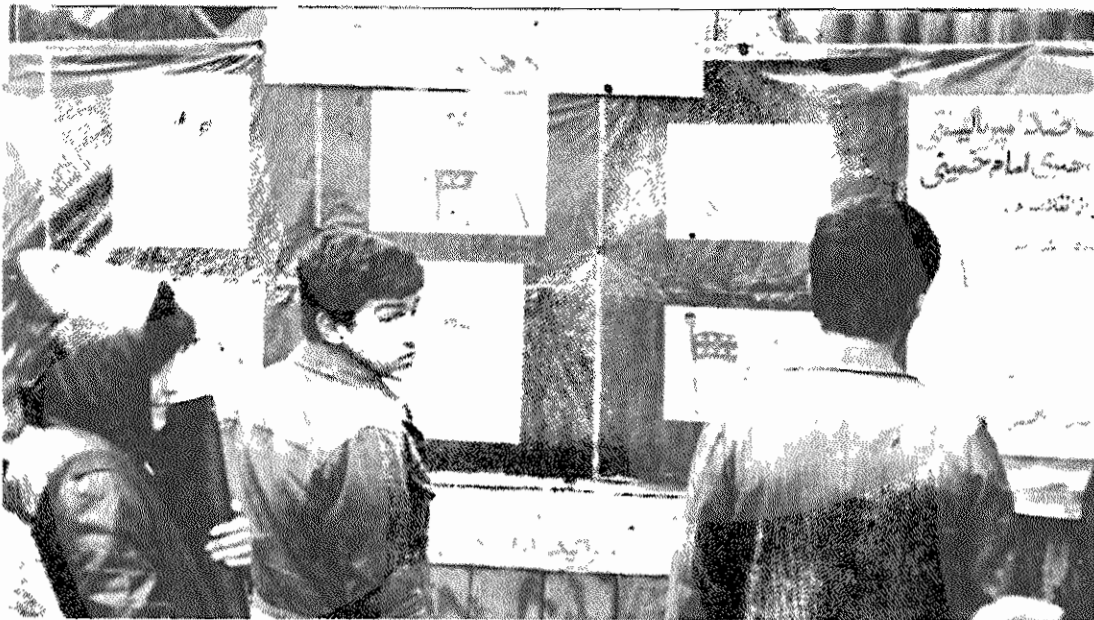
- ۱- افزایش تولید کارخانه و جذب کارگران بیکار.
- ۲- ورود سریع‌تر مواد اولیه به کارخانه و بالا بردن تولید از این طریق.
- ۳- ملی شدن کارخانه.
- ۴- خلجید از نمایندگان انحصاری شرکت و ایجاد تعاونی-های مصرف در سراسر کشور برای توزیع تولیدات کارخانه.

شورای کارخانه مسئولیت پایین بودن سطح تولید و مواد اولیه را مستقیما متوجه رضا کاشانی‌آخو، کارفرمای کارخانه، می‌داند و این خواست‌ها را در جهت مبارزات ضد امپریالیست مردم ایران اعلام کرده و در نامه خود به شورای انقلاب یادآور می‌شود که مخالفت با این خواستها حرکت در جهت منافع آمریکاست.

پاکسازی کمیته ارج

کمیته پاسداران ارج پس از پیروزی قیام شکوهمند ۲۹ و ۲۶ بهمن ماه جهت پاسداری و حفاظت از شرکت، از کارگران شرکت بوجد آمد.

متاسفانه در انصاف این افراد دقت لازم بعمل نیامد و تعدادی افراد نالایق در کمیته نفوذ کردند. در نتیجه آنها بجای اینکه جبری خواست شورای کارکنان باشند، جبری سیاست مدیریت و عوامل



دیداری از نمایشگاه طرح‌های ضد امریکائی:

آبروی امریکارادر پیاده‌رو حراج می‌کنند.

آمریکائی به سلطه اقتصادی امریکائیسم اشاره میکند و با شعار «کالای امریکائی تحریم باید» گردید، پیوندها را تشویش به انجام وظیفه ملی خود درواغ مبارزه ضد امریکائیستی مامی‌کنند.

در چندین طرح آخر نمایشگاه و در واقع مناسبترین طرحها برای امریکائیسم، یعنی تفرقه افکنی به نمایش گذاشته میشود، که در میان مشتبه‌های گروه که خلق در هم کوپند میشود و با شعار «با وحدت و همبستگی، امریکائیسم را بکشیم» نوید پیروزی میدهد.

در روز اول نمایشگاه مردم اغلب با دیدن طرح‌ها شادان و با صدای بلند تکرار می‌کنند و در پیاده‌رو دیگر جای عبور مردم نداشته بود. این نشانه موثر بودن تلاش‌های دشمنان امریکائیست‌ها را از مردمی است.

با استهزای گرفته می‌شود. در طرح «پرستش‌پول» شاهد پرستش از تمدن سرمایه‌داران امریکائی هستیم، که در آن سرمایه‌دار در مقابل علامت دلار آنروزه دو عامی‌کنند. این طرح با قطعه‌ای بنام «مذهب دلار پرستی»، از ایلیا ارنبورگ، کامل می‌شود.

طرح‌هایی که گویای در هم شکستن فول آمریکائیست، با تکرار پاره‌شدن پرچم آن، از هم پاشیدن بندهای استثمار و گریختن ستاره‌ها و بهرین آمدن مشتبه‌های گروه که مردم از میان آن نشان داده میشود.

دو طرحی که با شعار «آمریکائی تو خالیست، ویتنام گواهیست» مشخص شده، با نشان دادن سر میانه تپه زرد و ویای زخمی امریکائی، اندیدنی‌ترین طرح‌های نمایشگاه امریکائیست‌ها درواغ‌های لوازمدی‌کی و کالای

بدلیل همین روشنی و سادگی توجه حتی بی تفاوت‌ترین رهگذران را هم جلب میکند.

کسانی که برای تکرار کردن خشم خود، سوی جاسوخته امریکائی می‌آیند، در حالی که گوشه‌ایشان با صدای پرتوان توده مردم و فریاد «مرگ بر امریکائی» پر میشود، به تماشا می‌نشینند.

طرح‌ها با تصاویری از پرچم امریکائی شروع می‌شود که در میان خطوط و نقاط رنگینش، ماهیت جنگ‌طلبی این امریکائیسم سلطه‌جورانه را نشان می‌دهد. در طرح‌های بسیار زیبایی که به نمایش خلعت‌نار زردی امریکائیسم پرداخته، می‌بینیم که مدافع سر سخت «حقوق بشر» دست‌جمعی آزادیش خلق‌ها را به بند می‌کشد.

در تصاویری که به بازگویی نقش امریکائی و گشای زنجیری آن اختصاص یافته، سوزوواها، انور سادات و ژنرال‌های دست‌نشانده‌اش

نمایشگاه طرح‌های علیه امریکائیسم آمریکا، در نزدیک لانه جاسوسی آمریکا برپا شده است. این نمایشگاه خیابانی، که به ابتکار دانشجویان دمکرات دانشگاه ملی برپا شده، شامل طرح‌های بسیار زیبا و چهره منقور امریکائیسم آمریکا را به نمایش می‌گذارد.

نمایشگاه، که با شماره «پرواز باد انقلاب ضد امریکائیستی» میهن ما به رهبری امام خمینی شروع میشود، معمولاً دارای صد طرح است. برخی از تصاویر از میان طرح‌های برجسته‌ای که در مطبوعات قبلاً به چاپ رسیده، انتخاب شده و بقیه شامل طرح‌هایی است که دانشجویان هنرمد دانشگاه ملی، خود کشیده‌اند.

طرح‌ها با طنزی گزنده، گویای مفاهیم عمیقی است که از درون خطوط ساده آنها استنباط میشود.

آقای سفیر ایران در انگلیس از سیاست حزب توده ایران «لجش» می‌گیرد!

این سخنرانی روز پنجشنبه ۲۹ آذر ایراد شده است. طبق برنامه از قبل اعلام شده میبایست دکتر چمران، که در دیلا کالدر بزرگی از سوی بر گزار کننده مجلس «ناجی کردستان» معرفی شده بود، سخنرانی کند و به سئوالات مستعین پاسخ گوید، اما پس از ۴۰ دقیقه تاخیر اعلام میشود که دکتر چمران به دلیل گرفتاری نمیتواند در جلسه حضور یابد و بجای ایشان آقای دکتر افروز سفیر ایران در انگلستان سخنرانی میکند.

ایشان در یک سخنرانی آشفته (عین نوار این سخنرانی در دفتر «مرد» موجود است) ضمن تشریح نقش مذهب در انقلاب ایران، گریزی به نظر مارکس در باره مذهب نده و آنرا، طبق معمول این قبیل سخنرانان، تعریف کرده است. کار این نوع «استدلال» به آنجا می‌کشد که ایشان برخلاف تمام شواهد موجود، خطاب به مستعین اعلام میدارد که در کشورهای سوسیالیستی و شرق نیز مانند غرب، «جو» علیه انقلاب ایران است.

درباره ماجرای امریکائیست‌ها نیز ایشان مدعی میشوند که موضوع مهم است و هر ارتباطی دلیل جاسوسی نیست.

در حالی که اینک همه میدانند که موضوع اصلاً مهم نیست، زیرا استاد ارتباط با ما، و سازمان سیا آمریکا از سوی آقای انتظام با نام نامور نوع ارتباط و هدف از آن فاش شده و ضمناً صحبت بر سر «هر ارتباطی نبوده»، زیرا ارتباط مشخصاً با سفارت آمریکا و یک جاسوس سیا آمریکا بوده است.

آقای سفیر در میان صحبت خود ناگهان یاد حزب توده ایران می‌افتند و بدون آن که موضوع مورد بحث ایشان کوچکترین ارتباطی با حزب توده ایران داشته باشد، میگویند:

«امیدوارم توده‌های در این جمع نباشند، چون گاهی اوقات می‌آیند در دانشگاه و میگویند، چرا اینجوری گفتی، بهر حال حزب توده که سابقه‌اش معلوم است...»

گاهی اوقات تعریف می‌کند (منظور از انقلاب و امام است)، من لجم میگردد که از امام تعریف میکند، بتوجه مربوط است که تعریف میکنی، روی دیوارها می‌نویسد قانون اساسی را تأیید میکند، بی خود کرده، کاغذ انداخته در صندوق، ولی معلوم نیست آری بوده یا نه...»

می‌بینید عدم احساس مسئولیت و تمهید آهم از سوی یک مقام رسمی و در یک مکان مذهبی، گامی چقدر مضحک میشود!

مسجد برای مسلمانان مکان مقدسی است. حداقل در این مکان نباید دروغ گفت، تهمت نباید زد و توهین نباید کرد. مخصوصاً اگر گوینده بعنوان فردی مطلع، مسلمان معتقد و آگاه، جهت روشنگری در حضور جمع حاضر شده باشد. مافکر می‌کنیم مسئولیت چنین گوینده‌ای دوچندان میشود، اگر دارای مقام دولتی هم باشد.

از میان دها و صدها مجامع سخنرانی در مساجد و دیگر اماکن، که بعد از پیروزی انقلاب، بر اساس رسالت اسلامی و انقلابی برپا شده است، تاکنون بارها گزارشاتی بمانده، که همگی حکایت از این عدم احساس مسئولیت داشته است.

برخی از سخنرانان بی‌مدرک سخن گفته‌اند، دیدگاه را ندیده اعلام کرده‌اند، تنها به قضای رفته‌اند، بدون آگاهی لازم درباره رویداد های تاریخی لب‌گشوده‌اند، دوست را دشمن و دشمن را دوست معرفی کرده‌اند و در مجموع، در یک جلسه سخنرانی، بجای بالا بردن آگاهی مردم در جهت تحکیم روحیه انقلابی و پرده برداشتن از حقایقی که سالهای سال توسط رژیم مغفورسرتگون شده، یهلوی از مردم پنهان نگاه داشته شده بود، تسویه حساب شخصی کرده‌اند، بدتفاهق و جدائی ورودی روئین بین نیروهای انقلابی افشا شده‌اند و سرانجام مجلس را بدون برآورده شدن هدف اصلی، که همان رساندن آگاهی به توده‌های مردم است، ترک کرده‌اند.

در برخی از همین مجالس، گاه‌گاه به آنجا کشیده که مستعین بانسکه اعتراض بر آورده‌اند و از سخنرانان مدعیه خواسته‌اند و یا به او اعتراض کرده‌اند که آنچه می‌گوید در خطب امام و انقلاب نیست و یا با رهنمود های امام منافی است.

اینکه چگونه میتوان این جلسات سخنرانی را سازمان داد که منظور نهایی، بالا بردن آگاهی مردم بدون اعمال نظر شخصی و تفرقه افکنی، حاصل شود و هر کسی انقلاب را به تمیز خود برای مردمی که چشم و گوششان را در کمال خلوص نیت به سخنران سپرده‌اند، تفسیر نکند و خط ناخوانائی را بجای خط خوانای امام و انقلاب جلومرد نکند، جای بحث بسیار دارد و مافکر می‌کنیم موافقین به انقلاب و رهبری انقلاب برای این معضل نیز در صدد چاره‌انداز، و یا اگر نیستند، امیدواریم باشند.

مردمی که برای نخستین بار پس از سالها خفتان در مساجد و سالنهای سخنرانی اجتماع میکنند تا آنچه را نمیدانسته‌اند و نمی‌گذاشته‌اند بدانند، از زبان سخنرانان بشنوند و بدانند، نباید از سابقه سخنرانان، گرایشهای فکری و سازمانی و عقیدتی آنها، میزان آگاهی آنها، صداقت انسانی و انقلابی و سرانجام میزان ایمان و اعتقادشان به رهبری انقلاب و خط امام نیز اطلاع داشته باشند. عدم توجه به این مهم از آن جهت دردناک است که توده مردم، پس از مدتی شرکت در این جلسات و شنیدن اظهار نظرهای مختلف و عدم تطبیق آنها با وقایع، بتدریج نسبت به این جلسات سخنرانی، بدلیل آنکه به حقایق دست نیافته‌اند و سئوالات و پرسشهایشان پاسخ رستین نگرفته است، مأیوس و ناامید میشوند.

و این برای انقلاب به این دلیل خطرناک است که در ایران، بدلیل پایین بودن سطح فرهنگ و سواد بطور عام، برای مطالعه و تحقیق نه گفتن لازم وجود دارد و ناممکن، به همین دلیل مردم تشنه شنیدن حقایق از راه گوش هستند و در یک انقلاب با شکل اسلامی برای چنین منظوری و برای سیرایش از حقایق جهت رویارویی آگاهانه با دشمنان واقعی انقلاب و حفظ شور و انقلابی چه مکانی بهتر از مساجد؟

بمقابل نمونه‌های از این عدم احساس مسئولیت و تمهید، از میان گزارشهای مختلفی که به ما رسیده، میتوان به سخنرانی اشاره کرد که توسط یک مقام مسئول، در یکی از مجامع دینی ایراد شده است. این سخنرانی مربوط است به آقای دکتر افروز سفیر جمهوری اسلامی ایران در انگلستان که در دفتر اخیرش به ایران، ایراد شده است. محل این سخنرانی، حسینیه خاتمه‌انها، واقع در خیابان قصرالدشت، بین موس و دامپزشکی، بوده است. ما از این جهت آنرا بعنوان نمونه انتخاب کردیم که مربوط است به یک مقام مسئول دولتی، و همانطور که گفتیم مسئولیت یک سخنران دولتی، آهم در یک مکان مقدس برای مسلمانان، دوچندان است.

اخبار دهقانی

هیتت جهاد سازندگی و گروهی از پاسداران: دور رفتار متفاوت با دهقانان گلدسته

آقای کریمی از گلدسته در نامه ای چنین نوشته است: «هفته پیش از طرف جهاد سازندگی شهری هیئتی به سرپرستی آیت‌الله موسوی به گلدسته آمد، تا شورای جهاد سازندگی را در دما تشکیل دهد. روش‌شناسی و بسندیده آیت‌الله موسوی و همدردی اعضای هیئت نسبت به دهقانان زحمتکش، موجب تشکر و قدردانی همه اهالی گلدسته است.

اما در این جریان موضوع دیگری هم پیش آمد، که واقعا عده‌ای پاسدار مسلح و برخورداران آنها با مردم بود. آقای آیت‌الله موسوی، که برای تشکیل شورای جهاد آمده بودند، از وجود پاسداران و علت آمدن آنها به محل اظهار بی‌اطلاعی میکردند و میگفتند این هیئت با خود پاسداری نیاروده است. ثانیاً تشکیل یک شورای جهاد سازندگی، آهم از طرف خود اهالی ده، به یک گروه ۷- نفری پاسدار مسلح احتیاج نداشت. لذا این سؤال مطرح میشود که: چه کسانی یا کدام کیمت‌های، بدستور چه کسی و برای چه منظوری در جریان برگزاری یک امر اجتماعی و ملی مسالمت‌آمیز پاسدار مسلح به دهم فرستاده است؟

و اینک چند کلمه برادران پاسدار:

برادران پاسدار خوب میدانند که در جریان مبارزه وسیع ضد امریکائیستی، که به رهبری امام خمینی رهبر انقلاب ایران علیه امریکائیست‌ها در دهقانان و پاسداران انقلاب بدوش بدوش یکدیگر باید با دشمن مشترکی بکنیم. حقیقتاً میخواهیم، ما هم خود پاسدار انقلاب هستیم. هر چه و بچه‌علت شما پاسداران از- جان گذشته انقلاب چنین روش غیر برادرانه‌ای با برادران دهقان خود دیدیش گرفتید؟ مگر با دشمن طرف بودید؟ یا مگر دهقانان را بجای دشمن، بجای ضد انقلاب گرفته بودید؟ بسیاری از هم- کاران شما پاسداران در مناطق دیگر یاور و همدرد دهقانان هستند. شما چرا اینطور کردید؟

این برخورد غیرمنصفانه شما بصورتی بود که حتی زمانی که کار رای گیری در مسجد تمام شده بود، شما به حالت خبیلی خشن از بیرون رفتن مردم از مسجد جلوگیری کردید.

ما دهقانان گلدسته در برخورد شما با خودمان آثار نوعی تربیت طاغوتی و انضباط خشن کور دوران شاه سرنگون شده را به چشم دیدیم. برخوردی که یادآور هجوم سربازان شاه مخلوع به روستاها برای ادفاع از متاع مالکان و غاصبان اراضی است. باری، در شرایط حساس کنونی و در مرحله مبارزه عظیم ضد امریکائیستی، که همه مردم ایران - علیه شیطان بزرگ در پیش دارند، تحت تاثیر عوامل ناآگاه و احیاناً مفرض دوران رستائیزی طاغوت قرار نگیریم!

پیروزیاد وحدت همه نیروهای ضد امریکائیسم!

موفق باد جنبه متحد خلق برای گامین نیروزی بر ارتجاع و امریکائیسم امریکائی!

باز هم درباره دشت ارژن

در مورد درگیری و اختلاف روستای دشت ارژن، واقع در ۶۰ کیلومتری شیراز، جاده کاژرون، که بازتابی از آن در شماره ۱۸ آذر و اول دی ماه روزنامه «مرد» انتشار یافته بود، مطالب جدیدی دریافت کرده‌ایم.

گزارشی که به «مرد» رسیده حاکی از آن است که دشت ارژن بیش از ۳۰۰ خانوار سکنه و زمینهای آبی و دیمی زیادی دارد. درگیری در این جا نیز بر پایه منافع مالک بزرگ زمینها صورت گرفت. بدنبال یک اختلاف کوچک محلی، محمدحسین هاشمی، که خود را بازرس سپاه پاسداران میداند، به محل آمد و عملاً برای حفظ منافع مالک اختلاف را دامن زد و از یک طرف چنانچه بی‌بند کرد. همین واقعه محلاً به آشوب کشانید. روز ۱۶ آذر طی درگیری یک نفر کشته چندین نفر با ساجه و سنگ و چوب زخمی شدند. آقای هاشمی در این جریان ۱۷ نفر را توقیف و روانه زندان نمود و هم‌بندین را تصرف کرد. به علاوه خانه عده‌ای که زندان رفته بودند، مورد هجوم قرار گرفت.

آیت‌الله آقای سیدعبدالحسینی مستغیب در ذیل سندی نوشته است که هاشمی از طرف ایشان مأمور قضاوت در روستا نیست، با این همه وی با چند نفر مسلح در ده دشت ارژن فعال است و بد- رفتاری با مردم مظلوم میکند. هم‌اکنون خانواده‌های زندانیان در شهر شیراز آواره هستند. خواست آنها این است که هاشمی که طرفداری او از مالک مشخص شده، دخالت نکند و پرونده بمقام صالح داده شود، تا قضیه روشن گردد.

مسئله مالکیت زمین باید بسود دهقانان حل شود و تمام مناسبات منوط باید جدا پاکسازی گردد و مثلاً معلوم شود چرا کسی که مأمور قضاوت نیست، خود را بازرس سپاه پاسداران میداند، باید روشن شود در این لحظه حساس چرا بعضی مقامات جانب ارباب را می‌گیرند و در خط دفاع از مستغفین قرار ندارند.

لیست ساوا کی هارا منتشر کنید!



اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به تلاش برای تشنج زدائی و صلح ادامه میدهند

خبرگزاری تاس تأکید کرده که اختلاط شوروی مبنی بر این که وزیر خارجه آلمان فدرال مبنی بر اینکه گویا ناتو در پیشتهادهای خود برای خلع سلاح جدی است، بر سریده «آپا باید حرفهای این وزیر آلمانی را باور کرد یا سخنان کارتر و هارولد و براون وزیر دفاع آمریکا را که گفته اند ناتو باید در دهه آینده برتری نظامی نسبت به کشورهای سوسیالیستی بدست آورد»

باین کشور نمی توان از موضع قدرت صحبت کرد، جدی است، اتحاد شوروی وارد وگاه سوسیالیستی هرگز اجازه نمیدهند که ناتو برتری نظامی بدست آورد. باید این مسئله خوب درک شود. اتحاد شوروی دیگر کشورهای سوسیالیستی باین همه کما کان به تلاش برای تشنج-زدائی و صلح ادامه میدهند.

انقلاب کامپوجیا بگوشته ناپدید است

فاموان دونک نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام در مساحه ای گفت که انقلاب کامپوجیا غیر قابل بازگشت است و کسانی که برای تعیین اوضاع توطئه می کنند، در رؤیا بسر میبرند. وی اعلام کرد که مسئله کامپوجیا حل شده است، یعنی خلق کامپوجیا دوباره آزادانه زندگی می کند و سر نوشت و آینده خود را بدست خود گرفته است.

فاموان دونک اضافه کرد که خلق کامپوجیا به پیش میروند و احدی نمی تواند مانع پیشروی مردم کامپوجیا شود. نخست وزیر ویتنام سوسیالیستی گفت که اگر رهبران یکن کومونیستهای واقعی بودند، روابط چین و ویتنام اکنون بگونه های دیگر بود.

فاموان دونک گفت که رهبران کونی یکن سیاست توسعه طلبی مائو را دنبال می کنند. وی گفت که مائو میخواست با اصلاح کولونی های سابق چین را بدست آورد. نخست وزیر ویتنام گفت که برغم توطئه های امپریالیسم آمریکا و چین برای منحرف کردن مردم ویتنام، مردم این کشور بوسی ساختن ساختمان سوسیالیسم پیش میروند و کسی نمی تواند مآدا و ادار کند که موضع خود و سیاست خود را تغییر دهد.

توطئه رژیم سادات، اسرائیل و افریقای جنوبی علیه خلقهای افریقا

رژیم سر برده نورد سادات طرحی تهیه کرده است که بموجب آن مصر و اسرائیل مشتک که علیه جنبشهای رها بخش خلقهای افریقا وارد مسخه خواهند شد. هدف مستقیم آن است که اسرائیل دوپاره به افریقا بازگردد و موضع گذشته خود را که بران همه بسکی و یکپارشد امپریالیستی و ضد سوسیالیستی مردم افریقا از دست داده بود، دوباره بیجنگ آورد. هدف نهایی اتحاد مصر و اسرائیل در افریقا سرکوب مبارزات آزادی بخش و منزوی ساختن افریقای سیاه از قسمت غربی این قاره است. افریقای جنوبی نیز در توطئه شرکت دارد.

باند جنایتکاران سرنگون شده کامپوجیا از آمریکا تقاضای کمک کردند

بالاخره رژیم جنایتکار پول پوتسینک ساری، که بر اثر قیام خلق کامپوجیا سرنگون شد، کاملاً نقاب از چهره خود درید. به گزارش خبرگزاریها با اصطلاح «سفر» این رژیم در یکین، از آمریکا مسرا نه تقاضا کرد که هر چه بیشتر به پساندهای جنایتکار پول پوتسینک ساری، که علیه دولت انقلابی کامپوجیا مبارزه می کند، کمک کند. این بار هم مانند همیشه و مانند تبلیغات جی های غربی، با اصطلاح «پدید شوری» علم شده است.

رژیم پول پوتسینک ساری با حمایت مائونیستهای چین دست به قتل عام مردم کامپوجیا زد و سال گذشته بر اثر قیام خلق کامپوجیا سرنگون شد. هم اکنون چین و آمریکا عوامل فراری این رژیم را در تایلند آموزش میدهند و مسلح میکنند. درخواست رسمی از امپریالیسم آمریکا برای کمک به «مبارزه آزادی بخش» در آسیای جنوب شرقی، که از سوی مائونیستهای فراری کامپوجیا بعمل آمده، میتواند چشمها و گوشهای بسیاری را باز کند.

آمریکاهمچنان به مسلح کردن اسرائیل ادامه میدهد

عزرو ایزمن، وزیر دفاع اسرائیل، برای مذاکره با رهبران آمریکا وارد آمریکا شد. در این مذاکرات کمکهای آمریکا به اسرائیل مورد بحث قرار می گیرد. قرارداد سال آینده آمریکا حدود سه میلیارد دلار کمک در اختیار اسرائیل قرار دهد. بیشتر این پول صرف خرید سلاحهای مدرن از جمله موشک، تانک و سلاحهای الکترونیک از آمریکا خواهد شد. آمریکا در پی امضا، قرارداد خانئانه کمپ دیوید ارسال سلاح به اسرائیل را افزایش داده است.

اعتراض افکار عمومی در غرب به استقرار موشکهای تازه هسته ای در اروپای غربی ادامه دارد

اعتراض در کشورهای اروپایی به طرح های نظامی ناتو در مورد استقرار موشک های تازه هسته ای در اروپای غربی همچنان ادامه دارد.

در روزهای اخیر در اسلو و پارسی تظاهرات بزرگی علیه این تصمیم برگزار شد. در پارسی حزب کمونیست با برگزاری یک اجتماع بزرگ به این تصمیم ناتو اعتراض کرد. یک میلیون تن از مردم یونان نیز با امضاء طوماری اعلام کردند که استقرار این موشکها در اروپای غربی خطری جدی برای امنیت یونان است.

اشغالگران اسرائیلی در مناطق اشغالی عرب، مردم را بازداشت و مضروب میکنند

عبدالجواد صالح یکی از مقامهای فلسطینی تسوج کورت والداهام، دبیر کل سازمان ملل را به فعالیت های سوسیالیستی های اسرائیل در سرزمین های اشغالی، که مطابق با اصول اولیه حقوق بین الملل است، جلب کرد.

این مقام فلسطینی گفت که اشغالگران اسرائیل دست به بازداشت جسمی ساکنان میزند، زمین ها را غصب می کنند و به بهانه های مختلف به دانشجویان مدارس حمله می کنند.

در هفته های اخیر اشغالگران اسرائیل بارها به مدارس و دانشگاهها در کرانه غربی رود اردن حمله کرده اند. در این حملات دهها تن از دانشجویان و دانش آموزان مجروح شده اند.

چرا آیت الله خرنلی بر ضد خط امام سخن میگوید؟

آیت الله خرنلی، یکی از روحانیون اهواز است. وی چندی است که هر روز برای جمعی از مردم اهواز در مسجد، سخنرانی میکند و این سخنرانی ها بلافاصله فردای آنروز، ساعت یک بعد از ظهر، از رادیو اهواز پخش میشود تا بسالی مردم اهواز نیز از شنیدن سخنرانی محضرم بوده اند، از مطالب مطرح شده در آن بیاموزند.

مسئولین رادیو اهواز آنقدر به این سخنرانی ها اهمیت میدهند که برنامه «باقرآن در مسجده» را نیز که با شرکت امام تنظیم شده است، و قرار بود در روز چهارشنبه ۵ دیماه بین ساعات ۱ و ۲ از صدای جمهوری اسلامی ایران پخش شود، حذف کردند تا سخنرانی آیت الله خرنلی را بجای آن پخش کنند.

اما آیت الله خرنلی چه میگوید که مسئولان صدای جمهوری اسلامی ایران در نشر آن ایقندد؟

آیت الله خرنلی در سخن خود از انقلاب بسیار تمجید میکند و امام و رهبری آنرا بسیار ستايد که بجای خود بسیار خوب است، اما - و تمام صحبت بر سر این «اما» است - آیت الله خرنلی: «معتبر» است که: «چرا ایقدر به پروا چه کارو و آمریکا می چسبند؟!»، «ناراضی» است از اینکه میگویند: «ارزش باید پاکسازی شود»، و مدعی است که به تیرهای سران ارتش، شاهشاهی، نیاز فراوان وجود دارد!

آیت الله خرنلی با پاکسازی مخالف است و توصیه میکند که زمینها را از زمینداران بگیرند، چون آنها «ممكن است خودشان بخوانند زمینها را بکارند» و اعتراضات، توصیه ها و نظریاتی از این دست.

اینکه اکنون تمام کسانی که میخواهند انقلاب را از مسیر اصلی خارج سازند، از مستکبرین در قبال مستضعفین دفاع می کنند و میگویند آمریکا را در ایران از زیر ضرب خارج سازند، تمجید و تحسین بر نمی انکوزند، ولی اینکه صدای جمهوری اسلامی ایران، که باید از خط امام پیروی نماید، نظریاتی مخالف خط امام را با پوشش «اسلامی» و «انقلابی» بخورد مردم بدهد، هم تمجید بر می انکوزد هم تأسف آور است. مسئولین امر باید از اینگونه اعمال خلاف و غیر انقلابی، قاطعانه معامت کنند.

آخراج از دبیرستان به جرم پخش اطلاعیه

مسئول دبیرستان مصطفی، خنینی مشهد چند دانش آموز را به «جرم» پخش اطلاعیه های سازمان مجاهدین خلق از دبیرستان آخراج کرد.

به دنبال آخراج این دانش آموزان، گروهی از دانش آموزان این دبیرستان در مقام اعتراض به عمل رئیس این مدرسه، ضمن صدور اطلاعیه ای، عمل رئیس دبیرستان را محکوم کردند و آن را غیر انسانی خواندند. در اطلاعیه این دانش آموزان، ضمن اشاره به یکی از سخنان امام خمینی، در مورد لزوم گسترش حملات همه اقشار علیه آمریکا، تأکید کرده اند که ملت ایران ۷۰ هزار شهید نداشته است تا همان چیزی را بخورد که در زمان طاغوت می خورد.

امپریالیسم آمریکا تلاش دارد مداخله نظامی احتمالی خود علیه ایران را با عقیم ماندن کوششهای «مسالمت آمیز» خود توجیه کند

استراتژی سیاسی و اقتصادی و نظامی آمریکا در ایران بطور کلی در منطقه پدید آورده شده. تلاش آمریکا در راه بازگرداندن این مواضع و تجدید و تثبیت موقعیت مترزلر خود در این منطقه است.

امپریالیسم آمریکا از همان آغاز بیروزی انقلاب ایران تقویت نیرو و گسترش حضور نظامی خود در این منطقه را آغاز کرد. در خلیج فارس، دریای عمان، مجاور تنگه هرمز و اقیانوس هند به منظور های نظامی هوایی و دریایی نمایش قدرت پرداخت، با رسالت سلطان قابوس مسئله ایجاد یک بیامن نظامی امنیتی کشورهای حوزه خلیج فارس را مطرح نمود، بایکاهی نظامی هوایی و دریایی خود در عمان و عربستان سعودی و دیگر کشورهای منطقه را با اعزام نیرو و تجهیزات جنگی تقویت کرد. علاوه بر این، گروه بزرگی از ناوگان ایالات، متحده آمریکا از پایگاه دیگو گارسیا در اقیانوس هند و دریای مدیترانه بسواحل ایران و آبهای مجاور خلیج فارس اعزام گردیدند. ناو هواپیمایر میدوی به همراه یک ناو گروه، ناو اتمی باین بریج، یک ازرافکن و دو ناو جنگی از پایگاههای دریایی آمریکا به آبهای مجاور سواحل ایران گسیل داده شدند.

در حال حاضر مقیاس نیروهای دریایی و هوایی که آمریکا در خلیج فارس، دریای عمان و نواحی باختری اقیانوس هند متمرکز ساخته - و همه این نیروها به حال آماده باش جنگی هستند - در دوران پس از جنگ جهانی دوم بی سابقه است.

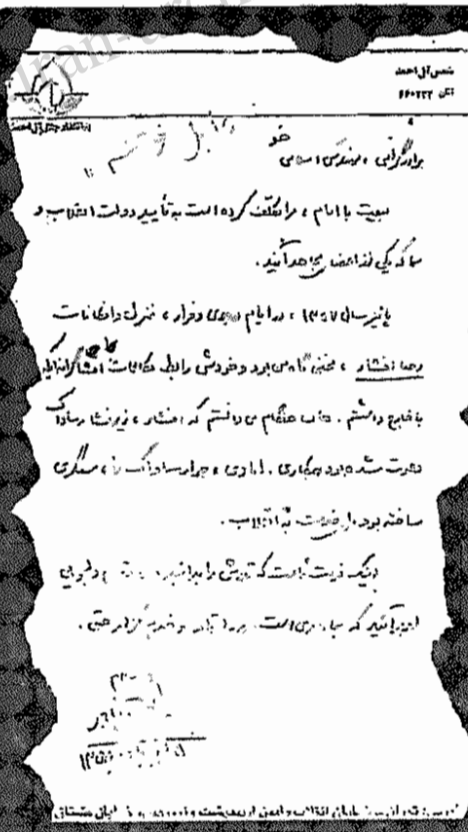
علاوه بر این تعداد کات جنگی برای مداخله نظامی مستقیم علیه ایران، برنامه های توطئه گرانه دیگری را نیز واشنگتن به مور اجرا گذارده است: گروه بزرگی از افسران و ساواکهای فراری در کشورهای اروپایی جمع آوری شده اند و در اردوگاههای ویژه ای در مصر و اسرائیل، به سرپرستی تعدادی از ژنرال های فراری ایران، مشغول آموزش هستند. در مطبوعات کشورهای غربی اخباری انتشار یافت مبنی بر اینکه برای انتقال این اردوگاهها به مناطق مرزی ایران بر سر میانی انجام گرفته است. در حال حاضر در تانتگون (وزارت دفاع آمریکا) طرح های گوناگونی برای مداخله نظامی و تخریب مسلمانان به ایران مورد بررسی است.

با توجه به مواضع اتحاد شوروی نسبت به انقلاب ایران و اختراهای مکرر اتحاد شوروی به دولت آمریکا و بر حذر داشتن آن از مداخله نظامی در ایران - که مسئله دخالت نظامی مستقیم آمریکا در ایران را دشوار ساخته است - در طرح های وزارت دفاع و دولت آمریکا نوعی دیگر مداخله نظامی، یعنی وارد کردن ضربات ناگهانی و استفاده از نیروهای ضد انقلاب در خارج و یا تلفیق این دو بیشتر مورد توجه است. طرح های در این زمینه از جانب محافل دولتی، نمایندگان کنگره و مقامات عالی رتبه وزارت دفاع آمریکا در دست بررسی است: «تنبیه ایران»، بمباران تهران، قم، پایتگاه و منابع نفت، جزیره خارک در خلیج فارس و خطوط مواصلاتی کشور امکان احتمالی دیگر، محاصره دریایی ایران به منظور جلوگیری از صدور نفت و ورود کالا به ایران، همراه با بیاد کردن واحدهای چتر باز برای تصرف فرودگاه تهران و به دنبال آن پیاده کردن واحدهای زمینی و توپخانه، که مجموعاً این واحدها ۲۰ هزار نفر برای تصرف تهران خواهند بود!

با این که اجرای طرح های مداخله نظامی، بهر شکل که باشند، با مشکلاتی مواجه خواهند بود، که خود محافل رسمی آمریکا به آن متوجهند، تعداد کات جنگی علیه ایران همچنان ادامه دارد و ماشین تبلیغاتی آمریکا علیه ایران به کار خود ادامه میدهد و تلاش میکند چنین مداخله ای را موجه و ناگزیر و نامود سازد. همه کوششهای دیپلماسی آمریکا نیز برای طرح مسئله «بحران روابط ایران و آمریکا» در مجامع بین المللی و تقاضای دولت آمریکا از شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اتخاذ تدابیر اقتصادی و سیاسی علیه ایران، همین هدف، یعنی موجه و ناگزیر و نامود ساختن مداخله نظامی احتمالی آمریکا علیه ایران را دنبال می کنند.

ولی این واقعیت را هر باید تأکید کرد که حتی اگر امپریالیسم آمریکا به این دیوانگی دست بزند و به مداخله نظامی در ایران بپردازد، سخن آخرین با خلق قهرمان ایران است و نه امپریالیسم آمریکا. خلق قهرمان ما که با دست خالی ارتش بزرگ و تا دندان مسلح شاه مخلوع را ۵۰ هزار مستشار نظامی آمریکا، بزانو در آورد، اینک که در کار تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب پیروزند خویش است، قادر است این آخرین تلاش مذبحخانه امپریالیسم آمریکا را نیز با شکست مواجه سازد.

توصیه شمس آل احمد برای يك ساواکی



سند بالا که به دفتر «مرد» رسیده است، يك بار دیگر نشان میدهد، آنها که پانتهان کردن خود در زیر پرچم اسلام به جای مبارزه با «شیطان بزرگ» آمریکا، به کشورهای سوسیالیستی و حزب توده ایران شتاب میدهند، چه کسانی هستند.

در این سند، دلیل تازه به میدان آمده، که همان میکنند هیچکس از دشمنی چارلی و ادامه آن شها خبر نداده، توصیه کرده است که يك ساواکی را آزاد کند، تا «به مجاهدت در راه انقلاب ادامه بدهد»!

این «مجاهد خدمتکار» که «چو ارساو آه» راستگری ساخته بود برای «خدمت به انقلاب»، شخصی است بنام رضا افشار، که در زمان طاغوت سمت بسیار حساس سر کشید که تلفن بین المللی را عهده دار بود. وقتی لیست ساواکهای اادامه بخیرات منتشر شد، بر همگان معلوم گردید که این آقا مامور ساواک بوده است. کارکنان وزارت پست و تلگراف این آقا را اخراج کردند، اما او دوباره بزرگان شمس آل احمد بر خود ردا داد. نامه بالا را شمس آل احمد، روز پنجم تیر ماه، برای وزیر سابق پست و تلگراف نوشته است.

ظاهراً این توصیه همچنان در مخا برات خریدار دارد. البته هنوز هم معلوم نیست که انتشارات روان، که شمس آل احمد، روی برگردسی آن توصیه ساواکی را کرده است، برای همین توصیه هاست، یا بدو کارهای دیگری هم از این قبیل می آید.

بدون کوچکترین دلیل ۳ تن از هواداران حزب توده ایران در کرمانشاه دستگیر شدند

سه تن از هواداران حزب توده ایران از ۳ روز پیش بدون هیچ دلیلی در کرمانشاه دستگیر شده اند. بر اساس اخبار رسیده از کرمانشاه، روز سه شنبه چهارم دیماه پاسداران بدون هیچ گونه دلیل یا توضیحی، ۳ نفر از هواداران حزب توده ایران به نامهای بیژن آدمی، رضائیزی و جواد قدینی را دستگیر کردند.

تا این لحظه از رفقای دستگیر شده ما هیچ خبری حتی به خانواده های آنها داده نشده است.

ماموراً خواستار آزادی فوری رفقای دستگیر شده خود در کرمانشاه و توضیح مسئولان امر درباره این عمل غیر قانونی هستیم.

اعتراض اهالی اسلام آباد به قطع برق

گروهی از اهالی منطقه اسلام آباد ضمن مراجعه به اداره برق یکی از نمایندگان این گروه اظهار داشت: «ما تاکنون چندین بار به (سابق) به قطع برق معذوران منقشه خود اعتراض کردند.

این گروه در حالی که فریاد می زدند، «خاموشی برق ما تو حین به انقلاب است، خواستار رسیدگی برای ما بسیار ضروری است».



کارگران رزمنده، دیروز در تظاهرات پرشکوهی در سراسر کشور، خواستار ادامه افشاگریهای دانشجویان پیرو خط امام شدند، عکس، گوشه کوچکی از ارتش پروتاریا را در برابر جاسوسخانه نشان میدهد

بقیه از صفحه ۱
مانند عباس امیرانظام که متأسفانه ما خواهان ادامه افشاگری در دولت هم نمون کرده بود، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام می‌باشیم و باید برای آنها مجازات دربارہ عمال و جاسوسان امریکا هائی حتی شدیدتر از عمل رژیم و محاکمه علنی و انقلابی مزدورانی پیشین در نظر گرفته شود.

تظاهرات دهها هزار نفری کارگران در سراسر کشور...

راه پیمائی ضد امپریالیستی کارگران در تبریز

هزاران نفر از کارگران تبریز دیروز به دعوت اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی اسلامی کارکنان شرکت‌های تابعه رومبسات وابسته به سازمان گسترش و توسعه صنعتی ایران برای محکوم کردن امپریالیسم امریکایی به تظاهرات راه پیمائی وسیعی زدند.

در این راه پیمائی که کارگران کارخانه های ماشین سازی، تراکتور سازی، یستون سازی، قالیبافی و چندین کارخانه دیگر در آن شرکت داشتند، کارگران فریاد می‌زدند:

خیمتی رهبر ماست، آمریکا دشمن ماست
سازشکار، سازشکار، نوکر آمریکائی

این کارگران سپس در مقابل کنسولگری آمریکا اجتماع کردند و با صدور قطعنامه‌ای توطئه‌های امپریالیسم امریکا را محکوم ساختند.

شبهات‌های ناگزیر...

روزهای مقدس محرم استفاده کند و دفتر زرین نظام مردمی جمهوری واقعی اسلام را فرود باند، ایدئولوژی سیاه ارتجاع را بخورد شما بدهد. (جبهه آزادی، ۲۴ آبان)
«هجوم اوپاش وی به سفارت امریکا تنها راه گریز وی بود. باید دید هارایسوی یکتا دشمن بزرگ «متوجه ساخت» اندیشه‌ها را سرگرم نمود، شکمهای گرسنه را با نوید آینده سیر کرد، چشم‌هایی را که میرفت از نور کاذب و خیره کننده دنیای رویاها به جهان واقعی بازگردند، همچنان قربانی کردن بخش دیگری از هیئت حاکمه، اکنون میکوشد تا در انطباق با شرایط جدید و دست زدن به برخی حرکات ضد امریکایی و بیش از آن باجبارها و جبارو جنجال بسیار، خویشتن را بیسترو این مبارزات ضد امریکاییستی توده‌های ما، که تاکنون در برابر آن ایستاده، جلوه دهد. (پیکار - جزوه «درباره تحولات اخیر»، ۲۰ آبان)
«ارتجاع میخواهد از احساسات پاک فزاینده شما در این روزها و

در بیکار بین خلق و امپریالیسم آنها بدلیل ایرانی بودنشان در صف خلق قرار خواهند گرفت، بازم بر کرده مردم دلیر ماسوار شود تا بیکار دیگر از گسترش مبارزات مردم‌چلوگری نمایند... (اعلیه شماره ۱۶ چریکهای فدائی خلق ایران - گروه اشرف دهقانی)
«کسانی که چند روز پیش راه پیمائی ضد امریکائی عید قربان را نرسیده به سفارت امریکا تمطیل میکنند، حالا به شکلی عوامفریبانه از اشغال سفارت پشتیبانی می‌کنند. چرا؟ چون: درحالی که قدرت اصلی را در دست داشت و به آسانی حاضر نبود دست از امتیازاتی بردارد، در کین فرصت نشسته بود و اینک با حربه عوامفریبانه مبارزه با امریکائیت تزاری را بر رقیب فرود آورد. روحانیت مینماید وابستگی با امریکا تا چه حد از نظر ما نفرت انگیز است، از فرصت استفاده کرد و با انگ دوستی! با امریکا حریف خود را پس راند. (دانشجویان هوادار راه

یک هکتار زمین نباید بی کشت باقی بماند

حدود ۳۰۰ نفر از خوشنیشان «مظفری کوهر» می‌خواهند هرچه زودتر تکلیف هزاران هکتار زمینهای متعلق به عزیزالله خان توامی مشخص شود و به آنها اجازه کشت روی زمین داده شود. روستائیان می‌گویند: حالا که گفته‌اند در مورد تصرف زمین دست نگهدارید، ما از طریق قانون عمل کرده‌ایم و می‌دانیم که در شرایط حاضر نباید حتی یک هکتار زمین بی کشت باقی بماند. حرف آنها حق است. زمینهای اربابی، همانطور که در برنامه معاون وزارت کشاورزی اعلام شده، باید به دهقانان بی زمین داده شود، تا ضمن احقاق حق مسلم آنها، کشور از تولید کانی برخوردار گردد.

طاغوتیان جانی پس از انقلاب هم جایی و نفوذی در محاکم و مراجع دارند

دهقانی از ظمیر آباد شهربانی نامی به سازمان بنیاد مستضعفین نوشته. در رونوشتی از آن که به «مردم» رسیده است و زیر آن اثر انگشت دهقان مزیور ریخته میشود، چنین میخوانیم: «اینجناب ابوالقاسم خدایاری، فرزند محمد، ساکن، ظمیر - آباد شهربانی، با هشت سر غائله تحت تکفل خود سالها است که از طریق کشاورزی امرارعاش می‌کنیم. ولیکن مالک زمین مزدور من و تعدادی کشاورزان محروم، مری‌جبار و از خدایا خیر می‌باشد، که حاصل زحمت ما را به بیغما میبرد و خود را ارباب ما مینماید و درآدم‌خصل را میرد و بقاقت‌های سرسام‌آور مردم برینده میدهد که حتی شکیمان سیر نمی‌گردد. قریب بیست و پنج ساله تا بحال میکند از این بی‌عدالتی. در زمان طاغوت معلوم است که چگونه عمل مینمودند، ولی در دوران انقلاب پیشکوه اسلام هم این طاغوتیان جایی و نفوذی در محاکم و مراجع یافتند و خود حالات شکلات گردیده‌اند. و این چندر نارواست تحملش. نمونه‌اش صاحب‌زمین ما، که زمینهای مزدوری را بقلمت‌های تفکیک و بقاقت‌های سرسام‌آور مردم برینده تحلیل مینموده و مینماید. امید ما گامهای خیرتان در جهت بهبود این ناسامانیست.»

کارگران کارخانه نساجی شماره ۲ قائم‌شهر خواهان بازگشایی شرکت تعاونی خود هستند

چندی پیش مقداری از اجناس شرکت تعاونی این کارخانه بوسیله یکی از مسئولین آن به سرقت می‌رود و این امر بوسیله کمیتهای دقیق وجدی کارخانه کشف می‌گردد. بدنیال این عمل، به بهانه تمین میزان اجناس سرقت شده، مدتی است که تعاونی کارخانه در تعطیل کرده‌اند. درحال حاضر که اجناسی از قبیل بودردرختوبی، صابون، روغن نباتی در بازار کمیاب است، تعطیل تعاونی فشار زیادی به کارگران وارد می‌آورد و آنان می‌خواهند که هرچه زودتر فروش اجناس در تعاونی از نو شروع شود و نیز برای جلوگیری از تکرار این گونه عملیات، اداره تعاونی به خود کارگران واگذار گردد.

روستائیان تاخیر در کشت زمین را به نفع آمریکا می‌دانند

در ناحیه زرقان فارس زمینهای وسیعی وجود دارد که متعلق به اوقاف است. این زمینها را امروز بنیاد مستضعفین شیراز جهت کشت اجازه می‌دهد. عده‌ای از اهالی زرقان، ۱۴ سال پیش، قسمتی از این زمینها را به طریق دیم می‌کاشته‌اند و از سه سهم، یک سهم به اوقاف تعلق می‌گرفته است. بعد شاهپور غلامرضا بر تمامی این زمینها چنگ می‌اندازد و تنها قسمتی از این زمینها را کشت می‌کند. به قول یکی از روستائیان: «مثل خانه‌ای که ۱۰ اطاق داشته باشد و فقط از یک اطاق استفاده کنی، بقیه زمینها را بی‌مصرف باقی می‌گذارد. و این روستائیان نیز دیگر نمی‌توانند کشت کنند. بعد از انقلاب آنها مجدداً برای شروع کار به بنیاد مستضعفین مراجعه کرده‌اند و می‌گویند چهارماه است که برای شروع کشت دوی این زمینها دوندگی می‌کنیم. یکی از مسئولان بنیاد به آنها گفته است که آنها می‌توانند روی زمینهای ناحیه بشار کشت کنند، درحالی که زرقان محل سکونت آنها و نزدیک به آنهاست. روستائیان چهارماه دوندگی را برای کشت روی زمینهای که سابقاً نیز روی آنها کشت کرده‌اند، در شرایط حساس کنونی به نفع آمریکا می‌دانند.

سومین شماره دنیای منتشر شد

- در این شماره:
- پیش بسوی جبهه متحد خلق.
 - اقتصاد اسلامی از دیدگاه آیت‌الله سید محمود طالقانی.
 - ضرورت تحول بنیادی در نظام پولی و ارزی کشور.
 - شورای انقلاب در برابر وظایف بزرگ.
 - برابری حقوق زنان و انقلاب بزرگ ما.
 - بازرگانی خارجی ایران باید دگرگون شود.
 - مطالبی دیگر...

رفقای حزبی! هواداران و دوستان اران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشر در «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسائید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه میسر انقلابی است.

آقای گریان!

چند روز قبل، انورالسادات (یعنی نورانی‌ترین آقایان!) بر صفحه تلویزیون فرانسه ظاهر شد. با او مصاحبه می‌کردند. ظهور «نورانی‌ترین آقایان» بر صفحه تلویزیونهای غربی تا زگی ندادند. بخصوص از آرزوی که شخصاً به اسرائیل تشریف بردند و با آن «نور» مخصوص خودشان چشم تمام امپریالیستها و صیونیستها را روشن کردند، با بگین دست در آغوش شدند، بوسه دادند، بوسه گرفتند، به پارلمان اسرائیل تشریف بردند، پشت به خلقهای عرب و روی به کمپدیوید آوردند و سر در دامان مهر کارتر نهادند. آری، از همانروز دیگر «نورانی‌ترین آقایان» یکی از «چهره‌های معروف» تلویزیونهای غرب شد.

اما همه آن «جلوه‌گریها» بیک طرف و این جلوه آخری، در تلویزیون فرانسه بیک طرف. انورالسادات اینبار در جلوی دوربین، برای بینندگان غربی گریه کرد! البته نه به تقاضای آنها، بلکه کاملاً داوطلبانه، گلوله گلوله اشک ریخت. فکر میکنید چرا؟

در اثر ندامت از امضاء قرارداد کمپ دیوید و خیانت بخلق مصر و خلق فلسطین و تمام خلقهای عرب و تمام مستضعفان جهان؟ بخاطر شیدان خلق فلسطین، که دربردار برای آزادی میهنشان جان می‌بازند؟ بخاطر کودکان آواره و برینده فلسطینی؟ بخاطر کودکان قطعه قطعه شده در زیر بمبهای اسرائیلی؟ یا به خاطر بیماران آواره و دربردار فلسطینی؟ نه!

او فقط بخاطر یک «بیمار» گریست! بیماری دربردار در غربت و رو بمرگ که حتی بر لب گورنیز آرامش نییافته‌اند. بهر کجا پای می‌نهد، هزاران نفر با فریاد خشم و پرخاش خواستار اخراجش از آن خاک و خطه میگردند، خواستار محاکمه «بیمار» میشوند، خواستار تیربارانش میگردند! آری، سادات برای این «بیمار» گریست! میدانند این بیمار کیست؟ محمدرضای مخلوق است!

و میدانید «نورانی‌ترین آقایان» چرا گریست؟ چون مسلمان است! تعجب نکنید! خودش اینطور می‌گوید. و میدانید بزرگوارانورالسادات، چه کسی مسلمان نیست؟ امام خمینی!

سادات در تلویزیون فرانسه، در این مصاحبه، گفت: «با خمینی مسلمان است و یا من. آخر مگر مسلمانی اینست که مریضی را اینچنین تحت فشار قرار دهد؟»

خیر قربان! چه فرمایشها؟ ملاک «مسلمانی» شما همین است که خودتان فرمودید: اشک و آه برای محمدرضا و البته چند نفر دیگر چون بانیستا، سوموزا، هایل سلاسی، پارک جونگ‌هی، پول پوت، سرهنگان یونان، فرانکو، کای تانو، موسولینی و بالاخره هیتر. از قلم نیندازیم - و البته آقایان کارتر، راکفلر، کیسینجر، برژینسکی، بگین، و خود شما هم که تاج سر همه این «آقایان» هستید، چون «نورانی‌ترینشان» هستید!

و آن میلیونها انسانی که بدست این افراد در شکنجه گاهها، زندانها و میدانهای جنگ از پای درآمدند یا شهید شدند، همه «گناهکار» بی «بیانات» و «نامسلمان» بوده‌اند، علی‌الخصوص آنها که عده‌ای از این «رجال با ایمان» را بزرگ فرستاده‌اند!

مگر میشود این «معصیت» را نادیده گرفت؟ تمام آن کسانی که در برابر «این افراد مومن» پاخیزند و بخواهند اینها را هم بسر-نوشت «محمدرضا» دچار کنند، از جمله جنابعالی آقای بگین را. همه هم «گناهکارند» و هم «نامسلمان».

با اینها چه باید کرد؟ باید ناخپشان را کشتید. باید روی اجاقی برقی کبابشان کرد. باید با دستبند قبائی قفسه سینه‌هایشان را خرد کرد. باید از هلیکوپتر بدریاچه‌های نمک فروانداختشان. باید «هنگام فرار» تیربارانشان کرد و همه اینها برای اینکه صدمه‌ای با امپریالیسم نرسد و به «ایمان» شما به آن خلیفه وارد نیاید. تا سر صیونیسم سلامت بماند و ازدولت سر آن، شما در راس «دولت» قرار گیرید و بتوانید چون «محمدرضا» ادعای «مسلمانی» و «اسلام‌پناهی» کنید!

ولی ای «نورانی‌ترین آقایان»، جای مبری که بر پیشانی شماست، شاید ابلهان را قریب دهد، اما خلقها هشیارند. آنها هم شما را می‌شناسند و هم امام خمینی را! آنها هم اسلام شما را می‌شناسند هم اسلام امام خمینی را. آنچه شما «اسلامش» مینماید، به آغوش بگین و دامان کارتر ختم میشود و آنچه امام خمینی اسلام میدانند، در خط امام که ضد امپریالیستی و خلقی است، متعکس میشود. و برای این خط ضد امپریالیستی و خلقی است که خلق ما میرزمد، علیه ارباب شما که آمریکاست، و نوکرش که خود شما باشید.

ورطه بزرگی است بین این دو جهان، اینطور نیست آقای گریان!

فعالیت ضد انقلاب برای متوقف کردن تولید کارخانه سیمان رود

ضد انقلاب در کار تولید سیمان کارخانه درود اخلال میکند و با اقدامات مختلف می‌کوشد سیمانها را غیر قابل مصرف سازد و در نتیجه عملیات ساختمانی خانه‌سازی را متوقف کند. مسئولین امر باید هرچه زودتر بسا انتشار اسامی افراد ضد انقلاب و وابسته به رژیم و اخراج آنان کار را بصورت عادی عودت دهند.

شرکت‌های گیلاردو سیمان رودی دو شرکت ساختمانی هستند که در رژیم گذشته قراردادهایی جهت ساختمان خانه برای کارگران کشت و صنعت خوزستان منعقد کرده بودند که قسمت اعظم این طرحها انجام گرفته و طرح مراحل آخر خود را می‌گذراند. شرکت‌های خانه‌سازی سیمان مصرفی خود را از کارخانه سیمان درود خرم‌آباد تأمین میکنند. از چند ماه پیش با بنظر عناصر ضد انقلاب مشکوک که در سطوح بالای کارخانه هم قرارداد دارند، بناورین مختلف سعی میکنند اجرای طرح را بدهد. تویق اندازند و با توقف آن باعث تعطیل کارویکاری کارگران گردند و در نتیجه ناراضی بین آنان را فراهم آورند.

توس ضد انقلاب از تشکیل ارتش ۲ میلیونی

موضوع تشکیل ارتش ۲ میلیونی به شدت آمریکا و عوامل وابسته به آن را نگران ساخته است. به همین دلیل عوامل آمریکا در داخل کشور دست به تخریبات مختلف زده و سعی کوشند از شکل گیری چنین ارتشی ممانعت به عمل آورند. بر اساس اطلاع رسیده در هفته گذشته چند نفر قصد حمله به کمیته شماره یک و تخلیه سلاح یکی از افراد این کمیته را که ضمتا کار آموزش نظامی در مسجد ولی عصر (تبریز) را نیز به عهده دارد داشته اند. در آن هفته همچنین افراد ناشناسی به کمیته شماره یک تلفن کرده و تهدید کرده اند که اگر آموزش نظامی قطع نشود، مسجد محل آموزش نظامی منجر خواهد شد.

بازگشت ملی شد، ولی اعطای وام به مردم هنوز تابع ضوابط طاغوتی است.

چهاران از مناطق نفت خیز ایران است. در اسن شهرستان خانه های شرکت نفت از دیگر محل های مسکونی جدادت کلیه زمین های منطقه به فودال بزرگ یعنی منصور پاشای تعلق دارد. این شخص که در دوران رژیم گذشته صاحب نفوذ کامل بود، زمین ها را «وکالی» می فروخت و با انواع وسایل مانع از آن شد که مردم زمین های خود را به ثبت برسانند. به این ترتیب، در حال حاضر، اکثر خانه ها فاقد سند ثبتی هستند. بانک ها هم در گروه سند ثبتی خانه وام می دهند، در حالی که بر روی ۵۰٪ خانه ها چنین سندی ندارند.

کسبه خرده پای شهر نیز پس از انقلاب با مشکلات سازهای روبرو شده اند. تاجران فقط به فروشنده گانی بطور اعتباری جس می دهند که سرمایه قابل توجهی داشته باشند. این کسبه از وام بانکی هم بهره مند نمی شوند، زیرا حداقل باید ۳۰۰ هزار تومان داشته باشند. در حالی که بیشتر کسبه چنین دست مایه ای ندارند. مسئولان امر باید پارسیدگی سریع به مشکلات پیشه و دران کسبه از جمله با اداره انقلابی بانک ها و دادن وام به شرایط مناسب، از طرفی به امر توزیع کالاهای مصرفی یاری رسانند و از طرف دیگر در این محدوده نیز دست ضداقلاب را از هست و نیست مردم زحمتکش کوتاه کنند.

ماخواستار محاکمه قاتلان و شکنجه گران توده ایها هستیم

در میتنگها و راهپیماییهای سالهای ۱۳۲۱-۱۳۲۵ در سراسر ایران، در جریان حوادث آذربایجان و کردستان (سال ۱۳۲۵)، هزاران توده ای مؤمن بدست مزدوران شاه مخلوع به قتل رسیدند. میتوان با مراجعه به پرونده های آن سالها در ادارات ارتش، شهر باقی و زندانهای مسبین این کشتارها را یافت و کیفر رساند. پس از بهمن سال ۱۳۲۷ و اصلاح دفتر قانونی بودن حزب توده ایران، تا کودتای ۲۸ مرداد، صدها توده ای در میتنگها و راهپیماییهای تهران و شهرستانها بدست کارگران جنایت پیشه شاه مخلوع و احزاب دست نشانده «سیا» و از جمله حزب «سومگا» و «حزب زحمتکش» و دکتر بقائی قتل شدند. باید آن پرونده ها را یافت و مجریان را به عقوبت رساند. مهمتر از همه رسیدگی به پرونده کودتای خائنه ۲۸ مرداد، عاملین و مجریان آنست، حادثه تنکلی که در میهن ما از شاه مخلوع تا

آیا قاتلان و شکنجه گران معصوم زاده، زرمی، تیزابی، حکمت جوی، حیدری بیگوند دستگیر و محاکمه شده اند؟ و اگر نشده اند، چرا؟ آیا محاکمه کنندگان، شکنجه دهندگان و قاتلان خسرو روزه دستگیر و محاکمه شده اند؟ و اگر نشده اند، چرا این پرونده ها در مدارس ارتش، در میان پرونده های بدست آمده از مراکز ساواک همنمی موجود است. باید آنها را اگر فتوای برسی کرد، قاتلانی را که بدو دروغ نام قاضی بر خود گذارده اند و باید دریافت منصب و مقام، امضاء خود را پای احکام و بکنه شده محمدرضا گذارند، به دادگاه انقلاب فرخوانند و کیفر داد. باید دستهای جنایت کاری را که زندگی های جوان و پربار توده ایها را معتقد و مؤمن را در شکنجه گاههای کمیته به خاکستر بدل کردند، شناخت و کیفر بخشید. این وظیفه دادگاههای انقلاب است که نکذارنده هیچ خونی هدر رود، این وظیفه دادگاران این دادگاههاست که محاکمه کنند و در سان دادگاه انقلاب اسلامی رشت و خوشو عدل و نسبت باشند و راه را برای فرار هیچ جنایت کاری باز نگذارند. این وظیفه تمامی خلق است که کیفر هر آدمی را بشناسند، چه توده ای را کشته باشد و چه غیر توده ای را، نباید اجازه داد چنان جوی بر کشور حاکم شود، که کشتن توده ای ها بی کیفرمانند.

نمایشگاه عکس مبارزات خلقها علیه امپریالیسم در قزوین



از روز سه شنبه ۱۰ ر ۵۸۱۰ با کوشش دانشجویان هوادار حزب توده ایران در انستیتو تکنولوژی و دانشگاه همدان قزوین، نمایشگاه عکسی با عنوان «مبارزات خلقها علیه امپریالیسم آمریکا» برپا شده است. استقبال مردم از این نمایشگاه چشمگیر بوده است، بسیاری از مردم به علت تراکم جمعیت موفق به دیدن تمام نمایشگاه نشده اند. گروهی از روستائیان پس از دیدن این نمایشگاه خواستار شدند که این نمایشگاه در روستاهای آنان نیز به تماشا گذاشته شود.

برای شهیدان ۱۶ آذر

بایک سبد شقایق...

سه شعر، سه شایبیت، سه استمارة ناب، سه آفتاب.

اینک غزل چگونه بپاییزد؟ اینک کلام موزون با نامتان چگونه در آمیزد؟

در طول شب هماره طنین انداخت فریادتان، رسا. در طول شب هماره درخشیدند در چشم آبها.

وقتی که بازگشت بهاران را باور نداشت کس، وقتی که فکر گل بریاد رفته بود، یاران من شما

با یک سبد شقایق بر سینه های تان پائیز را به سبزه گرفتید.

ای نامتان بهار ای جسمتان فلات شقایق زار اینک که در رسیده بهاران، اینک که بازگشت پرسوست، اینک که شب شکسته به طوفان، با یاد سرخشان بر وسعت زمین به تاراج رفته مان صدها هزار چشمیم بیدار و شب شکن - صدها هزار دستیم پرا و کارزا.

آذر ۱۳۵۸ طارم سر بلند

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت ننگین و منفور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده اند، جمع آوری کند.

آمریکا، چین و تایلند به توطئه علیه کامبوجیا ادامه میدهند. مرز کامبوجیا و تایلند در هفته های اخیر بسیار متشنج شده است. دولت تایلند به دستهای ضد انقلابی رژیم جنایتکار سرنگون شده پو پوتسینک ساری برای خرابکاری در نواحی مرزی کامبوجیا کمک می رساند. دولت کامبوجیا اعلام کرده است که تایلند مسئول این تشنج است. امپریالیسم آمریکا و ما تویست های چین به خرابکاران پو پوتسینک که در تایلند پایگاه دارند، کمک می رسانند.

باز هم هشدار درباره دزدان اندیشه و ناشران جاغل

بیشتری برخی از ناشران را، که در پی پول بهر کار تا شایست دست میزنند، مرز و پایانی نیست. چقدر اسفناک است که عیش پسندیده هم میهنان ما به خواندن و دانستن، ملعبه مثنی سوداگر بیشتر قرار میگیرد و دانش و فرهنگ در چنگال این پول پرستان، از راه قلب و جعل، بوسیله ای برای دوشیدن توده کتابخوان بدل میشود. این دزدان عقل و اندیشه حتی ای نمی کنند که به کتاب در حال صحافی دستبرد زدن و آنرا صاف و ساده از چاپخانه بر بیاورد تا خود آنرا تنهایی بچاپ رسانند و بسرعت بفروشند.

دزدیدن آثار و بدون فکر و قلمرو نام و تعلق مسلکی دیگران شیوه رایج این ناشران سوداگر است. از آنجا که کتب مثنی علمی و ادبی و آثار کتب چاپ و انتشار آنها در رژیم منحوس سلطنتی جزو ممنوع بود، خریداران بسیار و مشتاقان فراوان دارد. دزدان اندیشه مخصوصاً باین گونه کتب «توجه ویژه» مبدول میدارند. سرقتهای انتشاراتی در اغلب اوقات ناظر باین گونه آثار است. و بالاخره از آنجا که حزب توده ایران نزدیک به چهار سال است امتحان خود را در جامعه آماده و از اعتبار و حیثیت انکارناپذیری برخوردار است، آثار متعلق به نویسندگان وابسته به حزب و نام آنها، بخصوص در معرض دستبردهای بیشتر مانه این قبیل دزدان قرار میگیرد. ما بارها و بارها نمونه های این سرقت بیشتر مانه را یادآوری کرده و علیه این شیوه ناچوارانه اعتراض نموده و به مقامات صالحه نیز برای رسیدگی و احقاق حق مراجعه کرده ایم - که متأسفانه باید بگوئیم تاکنون از نظر تقبیل و مجازات ناشران دزد، به نتیجه ای نرسیده است. دزدی و چاپ غیر مجاز آثار و ترقی ایمنی و سلامت جامعه آمیز بخود میگرد که فقط بدون اجازه مولف، اثری چاپ میشود، بلکه با اثری که اصلاً مال نویسنده مربوطه نیست، تنها به خاطر سوء استفاده از نام و شهرت و تعلق سازمانی نویسنده مربوطه، بنام وی چاپ میشود و فروشی میرسد با مطالب و بخشهایی از طرف فرد یا افراد معروض و یا نا آگاه و بکلی غیر مسئول به کتاب سابقاً چاپ شده ای، اضافه و باز بدون اجازه منتشر میشود.

نمونه فجیع و نازده این شرکد سوداگرانه کتابی است با جلد سرخ و سیاه با نام «واژه های سیاسی» و در داخل براتر (واژه های نو ...). در پشت جلد، مولفین گویا عبارتند از امیر نیک آئین و خسرو روزه و مسعود مثنوی ... (چند نقطه!) در داخل، مولفین عبارتند از امیر نیک آئین و خسرو روزه، با این زیر نویس، همه و

باتکاء به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، باتأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

منتشر شد
کتابها
(نمایشنامه تاریخی)
احسان طبری

مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
خیابان ۱۹ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۳۴۵۹-۹۳۵۷۲۸
چاپ: کلویان
MARDOM
No. 128
27 December 1979
Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.